

ایده‌های سیاستی، اهداف و ساختارهای نهاد فراگیر جوانان در ایران* اسماعیل نوده‌فراهانی^۱، مهدیه کاظمی تکلیمی^۲

چکیده

مسئله جوانان یکی از موضوعات مهم کشور طی سه دهه گذشته بوده و برای پاسخ به مسائل آنان اقدامات بسیاری از جمله در سطح نهادی صورت گرفته است. با وجود این، اقدامات صورت گرفته و نهادهای ایجاد شده در تخفیف مسائل جوانان موفقیت چندانی به دست نیاورده‌اند. بر این اساس، در این نوشتار کوشیده‌ایم با استفاده از روش تحلیل برساخت‌گرایانه اسناد به مطالعه فرآیند طی شده پردازیم. برای تحقق این مهم، ابتدا تاریخچه و جایگاه نهادهای فراگیر جوانان در ایران و جهان مورد مقایسه قرار گرفته است. بر این مبنایم، تشکیل نهاد فراگیر جوانان در ایران نسبت معکوسی با نهاد مزبور در کشورهای صنعتی دارد. در گام بعد، به بررسی تاریخچه نهاد فراگیر جوانان پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران پرداخته شده است. لذا در ادامه به تشریح مختصری از شورای عالی جوانان، مرکز ملی جوانان، سازمان ملی جوانان و در نهایت وزارت ورزش و جوانان می‌پردازیم. سرانجام، نهاد فراگیر جوانان از سه جهت مورد ارزیابی قرار گرفته است: ۱. اهداف و وظایف، ۲. محتوای برنامه‌ها و اقدامات، ۳. کارآمدی نهاد مربوطه. این در حالی است که بررسی کارآمدی آن مستلزم توجه به نیازسنجی‌های انجام شده در مطالعات پیشین است. مطابق یافته‌های این بخش اولاً دو ایده «تهاجم فرهنگی» و «شکاف نسلی» نقش محوری در فهم دولتمردان از مقوله جوانی و چالش‌های آن داشته‌اند. ثانیاً به تدریج رویکرد انتقادی بر برنامه‌ها و اقدامات نهاد مذکور غلبه کرده است. ثالثاً شکست نهاد مزبور در «مسئله‌شناسی جوانان» نقش کلیدی در ناکارآمدی آن داشته است.

واژگان کلیدی

نهاد فراگیر جوانان، سیاست‌گذاری فرهنگی، تهاجم فرهنگی، شکاف نسلی، مشارکت جوانان، فراغت جوانان.

* این مقاله تلخیصی است از پژوهشی که با حمایت مرکز پژوهش‌های مجلس انجام شده است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۹

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

۲. کارشناسی ارشد رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

نگاهی به مباحث شکل گرفته پیرامون سازمان ملی جوانان - در مراحل ادغام با سازمان تربیت بدنی - نشان می‌داد که درباره‌ی کارکردهای مورد انتظار از این سازمان، ابهامات فراوانی وجود داشته و همین امر سبب پیدایش انتقادات روبه‌افزایش از سازمان ملی جوانان، در برابر دفاعیات دائماً در حال کاهش بوده است؛ اما سردرگمی و ابهامات مذکور ناشی از چیست؟ چنانچه سه‌گانه توصیه‌ای رهبر انقلاب خطاب به جوانان پیرامون تحصیل، تهذیب و ورزش (آیت‌الله خامنه‌ای، مورخ ۱۳۷۷/۲/۷) را در کنار مطالبات جامعه (والدین و گروه‌هایی از جوانان) بگذاریم که بر سه مقوله ازدواج، اشتغال و مسکن ناظر است (جعفری و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۰۴) و این دو را با اهداف کلیدی نهاد فراگیر جوانان در دوران بالندگی آن مقایسه کنیم و بر توانمندسازی، مشارکت و فراغت تطبیق دهیم بخشی از ابهامات موجود پیش دیدگان مان قرار خواهد گرفت. پرسش دوم این است که چرا اصلاحات نهادی متعدد نتوانست به تخفیف مسائل جوانان بینجامد؟ چرا که به هر روی، تأمین نیازهای جامعه، اساس فعالیت نهادهای بوروکراتیک در جهت پیشرفت و تحول هر کشوری را تشکیل می‌دهد و نهادهای متعلق به هر جامعه بدون طرح‌ریزی و برنامه مدون قادر به انجام وظایف و تحقق اهدافشان نیستند (گلشن‌فومنی، ۱۳۷۹: ۱۲۶)؛ و اصولاً از این منظر است که بررسی اهداف و وظایف در مطالعه سازمان‌ها، اهمیت بنیادی دارد (صبوری، ۱۳۷۴: ۱۴۷)؛ بنابراین، دو پرسش فوق در شرایطی طرح شده است که مسئولان و تصمیم‌گیران کشور کمتر درباره اهداف و وظایف نهاد فراگیر جوانان سخن گفته و عمدتاً راه برون‌رفت از بن‌بست کنونی را در اصلاحات نهادی جستجو کرده‌اند. غافل از آن‌که صورت‌های نهادی گوناگون برای برآوردن نیازها و اهداف متنوعی پدید آمده‌اند و بدون تعریف روشن انتظارات از یک نهاد خاص، نمی‌توان میان صورت‌های مختلف نهادی دست به انتخاب زد، بلکه بی‌اطلاعی یا پنهان‌کاری می‌تواند سبب بشود در یک دولت و در یک بازه زمانی خاص دو پیشنهاد مغایر به‌طور هم‌زمان مورد توجه قرار گیرد. کما اینکه لایحه «قانون اهداف، وظایف و اختیارات وزارت ورزش و جوانان» (شماره ثبت ۲۴۴، تاریخ اعلام وصول: ۱۳۹۵/۱۲/۱۱) و همچنین لایحه «انتزاع سازمان ملی جوانان از وزارت ورزش و جوانان» یا همان ماده (۳) لایحه اصلاح بخشی از ساختار دولت (شماره ثبت ۲۷۴، تاریخ اعلام وصول: ۱۳۹۶/۳/۲۱) با فاصله‌ای سه‌ماهه توسط دولت دوازدهم برای مجلس دهم ارسال شد و این در شرایطی بود که به دلیل اشتغال مجلس به طرح‌ها و لوایح دیگر، بررسی این دو لایحه، مقارن شد.

به هر روی، برای خروج از سردرگمی‌های پیش‌گفته، این پژوهش درصدد پاسخ دادن به پرسش‌های زیر است:

۱. وجه شباهت‌ها و تمایزات تاریخی نهاد فراگیر جوانان در ایران و جهان چیست؟
۲. نهاد فراگیر جوانان پس از انقلاب اسلامی چه صورت‌هایی را تجربه کرده و هر یک از آن‌ها بر اساس چه ایده‌های سیاستی شکل گرفته‌اند؟
۳. عملکرد نهاد مذکور در ایران از جهت اهداف و وظایف، برنامه‌ها و اقدامات و کارآمدی چه وضعی دارد؟
۴. چه ایده سیاستی و با چه فرم ساختاری می‌تواند به‌عنوان صورت مطلوب نهاد فراگیر جوانان در ایران پیشنهاد شود؟

پیشینه پژوهش

در تنها مطالعه کاملاً مرتبط با موضوع این مقاله، نویسندگان ضمن اشاره به وجود شکاف بین «وضعیت مطلوب» سیاستی - انتزاعی و «وضعیت موجود» عرفی - عینی و تأکید بر فقدان مطالعات پیشینی در این زمینه (خرمشاد و منصور، ۱۳۹۸: ۳۳۳) مدعی ارائه الگوی راهبردی اداره امور جوانان بر مبنای اسناد بالادستی و تجارب مدیریتی کشور شده‌اند (جدول ۱).

جدول ۱. الگوی راهبردی اداره امور جوانان

– عملکرد کشور در حوزه جوانان با شرایط مطلوب فاصله دارد و اداره امور جوانان نیازمند بازنگری است.	ارزیابی کلی
– هرگونه تغییر و اصلاح در اداره امور جوانان نیازمند اتخاذ تدبیر در ارکان جهت‌ساز (گفتمان ولایت فقیه و قانون اساسی) است.	
– بخش مهمی از نارسایی‌های حوزه جوانان ناشی از ضعف مدیریت کلان کشور است.	ارزیابی مسائل جوانان
– بخشی از مسائل جوانان تابعی از مشکلات عمومی و مبتلابه همه اقشار جامعه است مثل بحران‌های اقتصادی - اجتماعی، تغییرات تکنولوژیک، پیشرفت‌های علوم و فناوری.	
– موضوع اشتغال جوانان یک معضل بین‌المللی است و می‌توان از تجربیات مفید برخی کشورها و سازمان‌های بین‌المللی در این زمینه بهره برد.	
– توسعه فناوری‌های جدید از جمله فناوری اطلاعات جهت ایجاد فرصت‌های شغلی برای جوانان مؤثر است.	
– جوان‌گرایی و واگذاری مسئولیت به جوانان - در راستای تحقق عدالت اجتماعی - نیازمند عزم و اراده ملی و همچنین برنامه‌ریزی مناسب در زمینه جانشین‌پروری است.	

<p>– آسیب‌شناسی عملکرد شورای عالی جوانان به‌منظور چاره‌اندیشی برای نقاط ضعف این نهاد لازم است.</p> <p>– آسیب‌شناسی ساختار متولی اداره امور جوانان و تعیین متولی مقتدر الزامی است.</p> <p>– تخصیص بودجه کافی و متناسب با اولویت‌های موجود ضروری است.</p> <p>– رفع موانع موجود برای هماهنگی بین دستگاه‌های مختلف حوزه جوانان نیازمند به‌کارگیری تجربیات متخصصان و تکنیک‌های مدیریتی و جامعه‌شناسی است.</p> <p>– برای کنترل نظام مدیریتی و حرکت از وضع موجود به مطلوب باید شاخص‌های ارزیابی عملکرد در حوزه جوانان تعیین شود.</p>	پیشنهاد ساختاری
<p>– برگزاری همایش‌های ملی با مشارکت حداکثری خبرگان و بدون اعمال سلیقه‌های شخصی، گروهی و صنفی از ملزومات تحول است.</p> <p>– مسائل جوانان به دلیل ارتباط با مؤلفه‌های انسانی نیازمند راه‌حل‌های پویا و تکنیک‌های سیستم داینامیک هستند نه روش‌های ثابت و استاتیک.</p> <p>– مدیریت ظرفیت‌های بخش خصوصی جوانان برای اصلاح محدودیت‌ها و مسائل موجود، حرکت صحیحی ارزیابی می‌شود.</p>	پیشنهاد اجرایی

(خرمشاد و منصوری، ۱۳۹۸: ۳۵۶)

بدین‌گونه پژوهش مذکور راهبرد تحول‌آفرینی را معرفی نکرده و دگرگونی را به «لزوم اتخاذ تدبیر در اسناد بالادستی برای هرگونه تغییر و اصلاح در اداره امور جوانان» منوط کرده است. همچنین، راهبردهای ساختاری آن عبارت‌اند از: آسیب‌شناسی شورای عالی جوانان، تعیین متولی مقتدر برای امور جوانان، تخصیص بودجه کافی، به‌کارگیری متخصصان، تعیین شاخص‌های ارزیابی عملکرد.

پژوهش دیگری که با هدف اولویت‌بندی شاخص‌های ارزیابی عملکرد ادارات کل ورزش و جوانان صورت گرفته است ضمن قرار دادن «ساماندهی امور جوانان» در اولویت پایین‌تری نسبت به ورزش قهرمانی و ورزش همگانی، معیارهای این حوزه را سیاست‌گذاری، توانمندسازی سازمان‌های مردم‌نهاد و اقدامات تبلیغی- ترویجی دانسته و «شناسایی مشکلات جوانان استان»، «اجرایی‌سازی مصوبات ستاد ساماندهی امور جوانان استان»، «حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد، از جمله در تسهیل صدور مجوز و حمایت مالی و غیرمالی»، «حمایت از برگزاری جلسات هم‌اندیشی نخبگان، اردوهای گردشگری هویتی و جشنواره‌های حوزه جوانان» را توصیه می‌کند (احمدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۳۵-۱۳۴). در این پژوهش نیز اشاره روشنی به محتوای مشکلات و اقدامات لازم صورت‌نپذیرفته و صرفاً برخی سازوکارهای اجرایی پیشنهاد می‌شود. سایر مطالعات صورت‌گرفته در حوزه جوانان را می‌توان در هفت طبقه گنجانند:

– نقش جوانان در تحولات تاریخ معاصر (ن.ک: غفاری و قاسمی: ۱۳۸۵)؛

– جوانان در سیاست‌های فرهنگی (ن.ک: ذکایی و شفیع، ۱۳۸۹) و اجتماعی (ن.ک: سطوتی، ۱۳۸۷)؛

– تأثیر تشکل‌های غیردولتی جوانان بر رفتارهای فرهنگی – اجتماعی (ن.ک: مظفر و قنادیان، ۱۳۸۸) و مشارکت سیاسی (ن.ک: سردارنیا، ۱۳۹۰)؛

– گفتمان‌های جوانان در جمهوری اسلامی ایران؛ که عمدتاً راجع به اهداف اجتماعی – سیاسی دولت‌های گوناگون است؛

– گزارش ملی وضعیت جوانان کشور؛ که شاکله‌گفتار نهادهای دولتی از جمله وزارت ورزش و مرکز آمار را می‌سازد؛

– آسیب‌شناسی و مسائل فرهنگی – اجتماعی جوانان؛ گفتار مرسوم جامعه‌شناسان، روانشناسان و جرم‌شناسان؛

– بررسی وزارت ورزش و جوانان به مثابه یک سازمان؛ که توسط زیرشاخه‌های مدیریت و خصوصاً مدیریت ورزشی بسط یافته است.

مطابق نکات پیش‌گفته میان اهمیت موضوع «نهاد فراگیر جوانان» و پژوهش‌های انجام‌شده تناسبی وجود ندارد، درحالی‌که اجمالاً به نظر می‌رسد، ابهامات موجود درباره ماهیت، اهداف، کارکردها و روش‌های اجرایی‌سازی آن‌ها توسط نهاد متولی امور جوانان سه پیامد داشته است: ۱. تغییر مکرر صورت‌های مختلف نهاد فراگیر جوانان (شورای عالی^۱، مرکز ملی^۲، سازمان ملی^۳، وزارتخانه^۴) که نتوانسته‌اند گرهی از کار فروبسته جوانان بگشایند، ۲. گسترش نقادی نسبت به عملکرد نهاد مربوطه، ۳. عدم وجود معیارهای کارآمد جهت قضاوت و در نتیجه تأیید یا نفی عملکرد مسئولان ذی‌ربط. از سوی دیگر، برخی مطالعات به نقش سیاست در تحولات نهادی اشاره کرده‌اند. برای مثال، مطالعه دیگری که با بهره‌گیری از چارچوب جریان‌های چندگانه کینگدون^۵ به بررسی چگونگی تحول قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری پرداخته است نشان می‌دهد که چگونه جریان‌های سه‌گانه سیاست، مسائل و خط‌مشی‌ها^۶ در شکل‌دهی تغییر خط‌مشی وزارتخانه مذکور به هم پیوند خورده‌اند؛

1. Supreme Council
2. National Center
3. National Organization
4. Ministry
5. Kingdon's Multiple Streams
6. Politics, Problems and Policy

به عبارت دیگر، محققان مربوطه معتقدند متخصصان خط‌مشی‌گذاری با استفاده از فرصت هم‌زمانی جریان سیاست حاکم و مسائل موجود، زمینه تصویب پیشنهادهای خود را فراهم کرده‌اند (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۸۹).

روش پژوهش

اجرای این پژوهش نیازمند نوعی روش تحلیل سیاست است. تحلیل سیاست در نظریه‌هایی همچون برساخت‌گرایی و پاسا‌خترگرایی نیازمند شناسایی فرآیندهای شکل‌گیری مسئله و خواندن میان‌سطور اسناد است (ن.ک: لوزیک، ۱۳۸۸ و باکی، ۱۴۰۰). به‌علاوه، اسناد مورد توجه در این پژوهش عبارتند از:

۱. سند «اهداف، سیاست‌ها و وظایف و اساسنامه شورای عالی جوانان». مرجع تصویب: شورای عالی انقلاب فرهنگی، مورخ: ۱۳۷۱/۵/۶؛

۲. سند «اصلاح و تکمیل اساسنامه شورای عالی جوانان». مرجع تصویب: شورای عالی انقلاب فرهنگی، مورخ: ۱۳۷۷/۵/۱۳. (مصوبه تشکیل مرکز ملی جوانان)؛

۳. سند «آئین‌نامه اجرائی ماده ۱۵۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران». مرجع تصویب: هیأت وزیران، مورخ: ۱۳۷۹/۹/۲. (مصوبه تشکیل سازمان ملی جوانان)؛

۴. سند «تعیین راهبردها و راهکارها و چگونگی تحقق اجرای سیاست یکپارچه و هماهنگ برنامه ساماندهی امور جوانان». مرجع تصویب: هیأت وزیران، مورخ: ۱۳۸۳/۱۲/۲۶؛

۵. سند «قانون اهداف، وظایف و اختیارات وزارت ورزش و جوانان». مرجع تصویب: مجلس شورای اسلامی، مورخ: ۱۳۹۹/۷/۸.

در مقابل، تحلیل سیاست در پارادایم نظم‌گرایانه مبتنی بر نوعی شناخت نیاز (مسئله) و پاسخگویی به نیاز (حل مسئله) است. بدین ترتیب، در این پژوهش ابتدا از روش تحلیل برساخت‌گرایانه اسناد بهره می‌بریم و سپس «مسئله‌شناسی جوانان» را از خلال مطالعات پیشین تعقیب می‌کنیم.

نکته قابل‌تأمل در تحلیل اسناد مذکور شناسایی خطوط ارتباطی و عناصر سیاسی پیدا و پنهان مؤثر در پیدایش دیدگاه‌های متناظر و یا متباین سیاست‌گذارانه است؛ به عبارت دیگر، همان‌طور که در ادامه روشن خواهد شد سیاست‌گذاری جوانان عمیقاً متأثر از گفتارهای سیاسی است که مسئله جوانی را هماهنگ با کلان‌گفتار سیاسی

خود برساخت و جهت‌دهی می‌کنند. چنین برساخت‌هایی نه تنها به صراحت اعلام نمی‌شوند، بلکه ممکن است به‌طور هم‌زمان در فضای عمومی جامعه پذیرفته شده و مورد اقبال قرار گیرند.

مبانی نظری پژوهش

یکی از چارچوب‌هایی که در مطالعه نهادهای مختلف می‌تواند مورد بهره‌برداری قرار گیرد بررسی ماهیت اهداف و اقدامات آن‌ها بر اساس پارادایم‌های اصلی علوم اجتماعی شامل پارادایم‌های اثباتی^۱، تفسیری^۲ و انتقادی^۳ است (ایمان، ۱۳۸۸: ۴۹). برای روشن شدن تفاوت پارادایم‌های اصلی علوم اجتماعی در مواجهه با پدیده‌ای واحد می‌توان گفت: «اگر یک محقق اثبات‌گرا با اصالت‌بخشی به مقوله نظم درصد شناسایی انحراف از نظم موجود بر اساس روش‌های مقایسه‌ای است تا متکی بر قوانین عام، به ترویج و گسترش نظم پردازد و یا اگر یک محقق تفسیری با اولویت‌بخشی به مقوله تفهم جویای کشف نظام معانی مشترک انسان‌هاست تا به تبیین و توضیح کنش‌های افراد و یا گروه‌هایی با نظام معانی مشترک پردازد، یک محقق انتقادی با پیگیری مقوله تغییر به دنبال شناسایی تضاد، تعارض و موارد متمایز و مختلفی است که بتواند متکی بر قانون عام تاریخ، تحولات هدفمند را دامن بزند» (ایمان، ۱۳۸۸: ۷۹). فی‌المثل، تفاوت پارادایم‌های پیش‌گفته در مواجهه با مسائل و چالش‌های کنونی جوانان در ایران را می‌توان به‌صورت زیر بازسازی کرد:

● محقق اثبات‌گرا و طرفدار نظم موجود (ارزش‌ها، هنجارها و آداب و رسوم حاکم بر جامعه) خواستار کاستن از میزان انحرافات اجتماعی جوانان به‌عنوان هدف سلبی و نیز کاهش سن ازدواج، کاهش نرخ بیکاری و ... به‌عنوان اهداف ایجابی است.

● محقق تفسیری و حامی رویکرد تفهیمی می‌کوشد نظام یا نظام‌های معانی مشترک جوانان را کشف کرده و برای شناسایی شکاف میان نظام‌های معانی مشترک جوانان و نظام‌های معانی حاکم بر جامعه تلاش کند.

● محقق انتقادی و مطالبه‌گر تغییر به دنبال شناسایی تضادها و تعارضات میان منافع جوانان و گروه‌های مسلطی است که تأمین و تضمین نیازهای جوانان را به تأخیر انداخته و با طرح چارچوب‌های کاذب سبب فراموشی تضاد اصلی و اولویت یافتن

موضوعات غیر اولویت‌دار و دست‌چندم شده‌اند. بنابراین، کشف روابط ساختاری ناعادلانه‌ای که جوانان را در موقعیت فرودست قرار داده و در پی آن، ایجاد آگاهی راستینی که ضمن فراهم کردن زمینه‌های و توانمندسازی جوانان در این مبارزه، تحولات هدفمندی را رقم بزنند، در این رویکرد مورد توجه قرار می‌گیرد.

با این همه به نظر می‌رسد چارچوب پارادایم انتقادی سهم برجسته‌تری در مطالعه نهاد فراگیر جوانان در ایران دارد. در این چارچوب، جوامع انسانی از ساختی اجتماعی - به‌مثابه موجودیتی عینی و فراتر از آگاهی فردی - برخوردارند که این ساخت، تنها از طریق کنش جمعی قابل تغییر است. به عبارت دیگر، اولاً رفتار فردی به وسیله روابط ساختی در جامعه تعیین می‌شود، ثانیاً صرفاً کنش اجتماعی جمعی می‌تواند روابط ساختی حاکم را دگرگون سازد. بر این اساس، وظیفه علم انتقادی آشکارسازی و افشای مکانیزم‌های واقعی اما پنهان و غیر قابل مشاهده‌ای است که رفتار و کردار اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی از جمله زنان و جوانان را جهت می‌بخشد (ایمان، ۱۳۸۸: ۵۳-۵۲).

بدین ترتیب، پارادایم انتقادی بر قبول مسئولیت اخلاقی جهت توانمندسازی^۱ افراد، اقشار و گروه‌های زیر سلطه ساختارهای غیردموکراتیک، تبعیض‌آمیز و ظالمانه در راستای ایجاد تغییر تأکید می‌کند و زدودن آگاهی کاذب^۲ تحمیل شده توسط فرادستان و شکستن انقیاد فرودستان را از طریق شناسایی تضاد منافع، طرح ایده‌های رهایی‌بخش^۳ و اعطای آگاهی راستین^۴ پیگیری می‌نماید. خروجی این فرآیند نیز کنشگری مخاطبان برای فائق آمدن بر محدودیت‌های ناشی از طبقه، جنسیت، قومیت و نژاد است که به کنش سیاسی و پراکسیس^۵ منجر می‌شود (ایمان، ۱۳۸۸: ۷۰-۶۹). بر این مبنای، محتوای نظریه انتقادی در غرب عمدتاً در واکنش به نظام سرمایه‌داری و در جوامعی که دارای پیچیده‌ترین ساختارهای طبقاتی بودند - از جمله در انگلستان - شکل گرفت و مانیفست حزب کمونیست در سنت انتقادی غرب^۶ اولین و مهم‌ترین سند در این جهت است^۷. با وجود این، آنچه در قالب اسناد بین‌المللی با عنوان توانمندسازی گروه‌های

1. Empowerment

2. False Consciousness

3. Emancipation

4. True Consciousness

5. Praxis

6. See: Marx, Karl & Engels, Frederich (1848). Manifesto of the Communist Party, London.

۷. البته اندیشه اعتراضی علیه روابط ناعادلانه جهانی در آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی و نیز در کلام امام خمینی (ره) - خصوصاً مفاهیم قرآنی «مستکبر» و «مستضعف» - مشاهده می‌شود و پیام ایشان به مناسبت پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در سنت اعتراضی اسلام ناب (ن.ک: صحیفه امام، ج ۲۱: ۱۰۰-۷۴) مشهورترین سند در این راستاست.

حاشیه‌ای و فرودست تهیه شده است با هدف ساماندهی فعالیت‌های جوانان در جوامع غربی طراحی شده و به‌واقع در رستگاه خود، هدفی نظم‌گرا و محافظه‌کارانه را تعقیب می‌کند. به‌عنوان مثال، برای سازماندهی بعضی گروه‌های معترض اجتماعی جوانان می‌توان از طریق اعطای مساعدت مالی و مشاوره‌های حقوقی، گروه‌های مذکور و فعالیت‌های آنان را از حالت نیمه‌پنهان و تخریبی به فعالیت‌های آشکار و قانونی تبدیل کرد. بنابراین، چارچوب مزبور در جوامع زادگاه خود تنها صورتی انتقادی دارد و از جهت محتوایی از منطقی ادغام‌گرا و همسو با گسترش سلطه نظام جهانی سرمایه‌داری تبعیت می‌کند. ضمن این‌که چارچوب مذکور پس از موفقیت در کنترل حرکت‌های اعتراضی و مدنی جوانان در جوامع غربی به منطق سیاست‌گذاری در سطح بین‌المللی وارد شده است و از این جهت، می‌تواند ساختار حقوقی، برنامه مالی و موضوع فعالیت‌اش را متناسب با چارچوب‌هایی مانند حقوق بشر و ... شکل دهد. بدین ترتیب در شرایطی که ساز و کار انتقادی مذکور در کشورهای همسو با سرمایه‌داری جهانی به‌عنوان نوعی عامل شناخت و کنترل نیروهای واگرا به کار می‌رود، در کشورهای غیرهمسو به‌مثابه نوعی ابزار شناسایی و مداخله از طریق نیروهای واگرا مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. در مقابل، باید دید پارادایم نظم‌گرای اثباتی چگونه در زمینه ایجاد نهاد، ساختار و سازمان اجتماعی عمل می‌کند؟ به نظر می‌رسد مقوله نیازها^۱ یکی از ارکان پارادایم نظم‌گرای اثباتی را تشکیل داده و می‌تواند از کلان‌ترین جهت‌گیری‌های علمی- معرفتی تا جزئی‌ترین اقدامات اجرایی را متأثر سازد. بدین ترتیب، تلاش برای شناسایی نیازهای بشری و توضیح رفتار انسان در قبال آن‌ها به یکی از پرسش‌های تعیین‌کننده شاخه‌های گوناگون علوم تبدیل شد. از این منظر، تقلیل انسان به ارگانیسم (اندام‌واره) و تأکید بر نیازهای آن یکی از مهم‌ترین خصایل علم مدرن است. تدریجاً شناسایی و طبقه‌بندی نیازهای انسانی یکی از مشهورترین دستاوردهای دانش روان‌شناسی را تشکیل داد و آبراهام مازلو^۲ را به یکی از شناخته‌شده‌ترین شخصیت‌های جهان علم مبدل کرد. همچنین، کوشش به‌منظور صورت‌بندی چگونگی مواجهه انسان با نیازهای خود سبب قدرت‌یابی و پیدایش علم اقتصاد شد؛ علمی که با شعار متقاعدکننده «منابع محدود و خواسته‌های^۳ نامحدود» روح جهان معاصر را به تسخیر خود درآورده است.

به همین منوال، امروزه رویکرد [لزوم تأمین] نیازهای اساسی در شمار یکی از

رویکردهای انکارناپذیر نظریات توسعه قرار گرفته است (ن.ک: هانت، ۱۳۹۸). البته شناسایی نیازهای اولیه و بسیط انسان - در هیئت موجودی منفرد - در انسان‌شناسی بیش از سایر حوزه‌های علوم اجتماعی مد نظر بوده و مطالعه شکل‌گیری نهادهای اجتماعی گوناگون (نظیر خانواده، اقتصاد، دین، سیاست، آموزش) در مردم‌شناسی، ادبیاتی غنی دارد. با وجود این، جامعه‌شناسی اولاً در مطالعه نهادهای اجتماعی به سراغ کارکردهای^۱ آن‌ها می‌رود، ثانیاً صورت‌های پیچیده‌تری از نیازهای انسانی نظیر نیاز به کسب منزلت، رضامندی، مساعدسازی محیط شهری، زمینه‌سازی مشارکت شهروندان، کاهش شکاف‌های اجتماعی، تأسیس نهادها و سازمان‌ها و... را مورد بررسی قرار می‌دهد. از این منظر، شکل‌گیری نیازهای جدید در جریان تحولات زندگی بشر، سبب پیدایش نهادها و سازمان‌های ویژه‌ای به‌منظور ارضای آن‌ها می‌شود.

از سوی دیگر، حفظ نظم مهم‌ترین کارکردی است که بقاء و ارتقای کلیت جامعه را سبب می‌شود؛ بنابراین، روی دیگر تأمین معقول نیازهای انسانی، تسهیل برقراری نظم اجتماعی است؛ به عبارت دیگر، اگر هدف تأمین نیازهای تک‌تک انسان‌ها زمینه‌سازی برای حفظ حیات و شکوفایی زیست فردی آن‌هاست، کارکرد تأمین نیازهای اقشار و گروه‌های انسانی حفظ بقاء و ارتقای جامعه انسانی است.

بالعکس، اختلال در تأمین نیازها و جهت‌دهی به رفتار شهروندان سبب پیدایی مفاهیم و چارچوب‌هایی همچون آسیب‌های اجتماعی و کجروی^۲ شده و برنامه‌ریزی برای ادغام اجتماعی^۳ افراد طردشده را در فهرست مقاصد حکومت‌ها قرار می‌دهد.

یافته‌های پژوهش

۱. تاریخچه و جایگاه نهادهای فراگیر جوانان در ایران و جهان

از آنجا که نهادهای فراگیر جوانان در جهان به‌واسطه حضور و عضویت جوانان در سازمان‌های غیردولتی مربوطه شکل گرفته‌اند، تاریخ پیدایش نهادهای فراگیر ملی، متأخر از تاریخ شکل‌گیری نهادهای غیردولتی جوانان است. آنچه در مطالعات تاریخی مربوط به سازمان‌های غیردولتی جوانان دیده می‌شود، آن است که این سازمان‌ها با اهداف متفاوت بخشی، فرقه‌ای و گروهی شکل گرفتند و سال‌های آغازین گسترش این سازمان‌ها عمدتاً به دهه ۱۹۲۰ بازمی‌گردد. در آن زمان، سازمان‌های جوانان برخاسته

1. Functions

2. Deviation

3. Social integration

از منافع و علایق صنفی و گروهی بودند و سازمان‌های غیردولتی دانشجویی، کارگری، مذهبی و عقیدتی شکل می‌گرفتند. تا دهه ۱۹۵۰ سازمان‌های غیردولتی جوانان در همین اشکال صنفی مطرح بوده و فعالیت می‌کردند؛ اما از دهه ۱۹۶۰ به دلیل تحولاتی که در گرایش‌ها و موضوعات فعالیت سازمان‌های غیردولتی رخ داد، سازمان‌هایی با محوریت موضوعاتی همچون محیط‌زیست، مواد مخدر و...، پدید آمدند. در همین دهه پراکندگی و تنوع فزاینده‌ای در سازمان‌های صنفی و موضوعی جوانان ایجاد شد و درخصوص یک صنف یا موضوع خاص، چندین سازمان جوانان ایجاد شد. به تدریج، برای رفع این مشکل، سازمان‌های فراگیر در هر یک از حوزه‌ها شکل گرفت. برای مثال فدراسیون ملی دانشجویان با مشارکت چندین کانون، انجمن و کلوپ دانشجویی شکل گرفت و یا انجمن بین‌المللی مردان جوان مسیحی با نقش‌آفرینی چندین انجمن ملی جوانان مسیحی تشکیل شد تا به‌عنوان سازمان فراگیر عمل کند. بدین ترتیب، ریشه پیدایش سازمان‌های فراگیر جوانان در سطوح ملی به دهه ۱۹۶۰ بازمی‌گردد. یعنی زمانی که تکثر و تنوع سازمان‌های غیردولتی جوانان چه از نوع صنفی (کارگری، دانشجویی) و چه از نوع موضوعی (مذهبی- معنوی، ورزشی- تفریحی، آموزشی- مهارتی، اجتماعی- سیاسی، هنری- فرهنگی، جنسی- جنسیتی، خدمات داوطلبانه امدادی- حمایتی) به حدی رسیده بود که نیاز به ایجاد هماهنگی میان آن‌ها کاملاً محسوس شد (نهادهای فراگیر ملی جوانان، ۱۳۸۷: ۱۳-۱۴).

مطابق تاریخچه پیش‌گفته، نهادهای فراگیر جوانان در کشورهای صنعتی اروپا و آمریکای شمالی، متأخر از تاریخ شکل‌گیری نهادهای غیردولتی جوانان و در سه مرحله بوده است:

۱. پس از جنگ جهانی اول (۱۹۲۰): در این دوره نهادهای غیردولتی با اهداف متفاوت بخشی، فرقه‌ای، گروهی، دانشجویی، کارگری، مذهبی و عقیدتی پدید آمدند. در توضیح این مقطع می‌توان گفت: «مشخصه بسیاری از خرده‌فرهنگ‌ها در کشورهای غربی، ویژگی طبقاتی آن‌هاست. برای مثال، رواج خرده‌فرهنگ‌هایی مثل بیتل‌ها^۱ در انگلستان یا هیپی‌ها^۲ در آمریکا را باید نوعی عصیان و واکنش جوانان طبقه کارگر و حاشیه‌نشین در جامعه، نسبت به محرومیت از امکانات اقتصادی و اجتماعی و نیز شیوه‌ای برای انتقاد نسبت به رواج فرهنگ مصرفی دانست» (ذکایی، ۱۳۸۶: ۷۸).
۲. پس از جنگ جهانی دوم (۱۹۵۰): در این دوره با علنی‌شدن ضعف‌های مدرنیته موضوعاتی نظیر محیط‌زیست‌گرایی، همجنس‌گرایی، صلح‌گرایی، عرفان‌های مبتنی

بر مخدر و... مبنای شکل‌گیری سازمان‌های غیردولتی جوانان شدند. بالاخص با پیدایش دولت رفاه، خرده‌فرهنگ‌های با مبنای صنف و طبقه جای خود را به مقوله سبک زندگی با قدرت‌یابی لذات موردعلاقه داد. بنابراین، «عواملی نظیر فرآیندهای فردی شدن که آزادی و حق انتخاب بیشتری را به‌خصوص برای جوانان دربرداشت، رشد طبقه متوسط جدیدی که جهت‌گیری آن‌ها آشکارا به‌سوی سرگرمی و مصرف است و افزایش روزافزون مباحثات آکادمیک در خصوص پست‌مدرنیسم و... در رواج مفهوم سبک زندگی مؤثر بوده‌اند» (ذکایی، ۱۳۸۶: ۱۰۱).

۳. مصادف با رواج مفهوم سیاست‌گذاری جوانان (پس از ۱۹۶۰): درحالی‌که برای مدت‌های طولانی، مدیریت مسائل جوانان در کشورهای غربی به حمایت از فعالیت‌های داوطلبانه جوانان محدود می‌شد، در این دوره به‌منظور ساماندهی سازمان‌های غیردولتی مربوطه، نهادهای فراگیر جوانان پدید آمدند: «مددکاری جوانان همیشه ابزار ارزشمندی برای افزایش توان جوانان و جلب علاقه آن‌ها جهت مشارکت اجتماعی و سیاسی تلقی شده و در سال‌های اخیر نیز از آن به‌عنوان چارچوبی برای ادغام اجتماعی مجدد جوانان آسیب‌پذیر و محروم استفاده شده است» (ذکایی، ۱۳۸۶: ۱۰۹).

این در حالی است که در جامعه ایران ابتدا نهاد فراگیر جوانان شکل گرفت و سپس برای تشکیل نهادهای غیردولتی جوانان و در نتیجه شکستن سازوکارهای موجود و ایجاد تنوع و تکثر سیاسی- اجتماعی زمینه‌سازی گردید.

۲. تحول صور ساختاری نهاد فراگیر جوانان پس از انقلاب اسلامی^۱

۲-۱. شورای عالی جوانان

جدول ۲. شورای عالی جوانان در یک نگاه

ویژگی اصلی	نخستین اقدام نهادی جهت سامان‌بخشی امور جوانان در جمهوری اسلامی
فضای متناظر	سخنان رهبر انقلاب درباره نهاجم فرهنگی و تهدیدات جدی آن برای جامعه و بالاخص جوانان؛ آغاز از سال ۱۳۶۹ و بازگشت مهم‌ترین سخنرانی‌شان در این باره به ۱۳۷۱/۵/۲۱
اقدام نهادی	تأسیس شورای عالی جوانان در تاریخ ۱۳۷۱/۲/۱ به پیشنهاد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی

۱. در دوره پهلوی اول - به‌تبع تحولات جهانی - روشنفکران و طراحان حکومت کوشیدند با ایجاد نهادهایی نظیر «دانشگاه تهران» (۱۳۱۳)، «سازمان پیشاهنگی» (۱۳۱۴) و «سازمان پرورش افکار» (۱۳۱۷) به نحو برون‌زایی فرهنگ جوان متجدد را در ایران شکل دهند (اکبری، ۱۳۸۴: ۲۳۴ و مسگر، ۱۳۸۸: ۵۳۶). با وجود این، «سازمان پیشاهنگی ایران» (آشنا، ۱۳۷۱) و «کاخ جوانان» (کامور بخشایش، ۱۳۸۶) در دوره پهلوی دوم مجموعه‌هایی بودند که رسماً ذیل عنوان نهاد فراگیر جوانان در ایران طبقه‌بندی می‌شوند.

<p>بندهای قانون مصوب عملاً ایده «تهاجم فرهنگی» را چندان به رسمیت نمی‌شناسد، بلکه ایران به‌عنوان جامعه‌ای در حال گذار از سنت به تجدد ادراک شده و از این بابت، به همان نسبت که از سوی غرب ممکن است مورد هجمه باشد، از جانب سنت و پیشینه جامعه خود نیز تحت انقیاد و نیازمند رهایی است. در سند فوق «مبارزه با سنت‌های ناروا و عوامل برخورد‌های تحقیرکننده» لازم است اما تهاجم فرهنگی غرب را نمی‌توان اثبات کرد و «فراهم آوردن زمینه قضاوت خود جوانان درباره غرب و تفکیک جنبه‌های مثبت و منفی آن» هدف منطقی‌تریست. بنابراین، توأمان آشنا کردن جوانان با تاریخ و تمدن اسلامی و ایرانی و زمینه‌سازی برای شناخت ماهیت استکبار توسط نسل جوان اولویت می‌یابد.</p>	<p>محتوای نهاد تشکیل شده</p>
<p>بیشترین تأکید سند بر «ساماندهی و ایجاد هماهنگی نهادها و سازمان‌های مرتبط با امور جوانان» است. در گام بعد نیز مسائلی مانند پشتیبانی از تحقیقات درباره جوانان، شخصیت‌بخشی به جوانان، معرفی الگوهای مرجع، ایجاد و توسعه کانون‌ها و مراکز اجتماعی و فعالیت‌های جوانان مهم‌ترین وظایف شورای عالی جوانان را تشکیل می‌دهد. سرانجام نیز «مطالعه و بررسی زمینه‌های مناسب برای اشتغال و ازدواج و ارائه مشاوره» مورد اشاره قرار گرفته است اما اقدامی عملی در این رابطه پیش‌بینی نمی‌شود.</p>	<p>مختصات ساختاری- تکلیفی</p>

۲-۲. مرکز ملی جوانان

جدول ۳. مرکز ملی جوانان در یک نگاه

<p>پس از گذشت پنج سال از فعالیت‌های دبیرخانه شورای عالی جوانان، مبتنی بر استدلال‌های زیر، بازنگری و تجدیدنظر در ساختار تشکیلاتی دبیرخانه مزبور مورد توجه قرار گرفت: ۱. دستگاه‌های ذی‌مدخل در امور جوانان، در انجام اقدامات مؤثر و کارساز در زمینه مصوبات «شورای عالی جوانان» توفیق لازم را حاصل نکردند، ۲. با توجه به گستردگی فعالیت‌های مربوط به جوانان و نیز تنوع دستگاه‌های دولتی در این زمینه، دبیرخانه شورا از اقتدار لازم و پشتوانه کافی جهت پیگیری امور و ترغیب و تشویق دستگاه‌های اجرایی به منظور اجرای سیاست‌ها و خط‌مشی‌های «شورای عالی جوانان» برخوردار نبود، ۳. بافت تشکیلاتی دبیرخانه فاقد ویژگی‌های کمی و کیفی لازم برای اجرای وظایف و تکالیف محوله و تخفیف مسائل مربوط به جوانان است.</p>	<p>زمینه‌های بازنگری ساختاری</p>
<p>استدلالات مطرح شده (ناکارآمدی شورا بدلیل نداشتن بودجه برای تخصیص و در نتیجه نداشتن توان نظارت بر هزینه‌کردها و لاجرم نداشتن ضمانت اجرایی)، در بسیاری شورا‌های فرهنگی دیگر از جمله «شورای عالی انقلاب فرهنگی» نیز به چشم می‌خورد. بنابراین، مسائل مطرح‌شده برای تبدیل یک شورای تصمیم‌ساز به سازمانی اجرایی، کفایت نمی‌کند، بلکه تفاوت رویکرد دولت وقت و حساسیت آن نسبت به مسئله جوانان، مهم‌ترین عامل تغییرات فوق به نظر می‌رسد.</p>	<p>فضای متناظر</p>

<p>در راستای تشکیل ستادی مقتدر با پشتوانه کافی و شرح وظایف مدون، در جلسه ۴۱۶ «شورای عالی انقلاب فرهنگی» مورخ ۱۳۷۶/۷/۸ موضوع بازنگری در اساس نامه «شورای عالی جوانان» مطرح گردید و با ایجاد تشکیلی اجرایی جهت پیشبرد مأموریت‌های مربوط به جوانان موافقت شد و بر اساس ابلاغ «سازمان امور اداری و استخدامی کشور» در ۱۳۷۷/۱۲/۲۲ «مرکز ملی جوانان» فعالیت خود را آغاز نمود.</p>	<p>اقدام نهادی</p>
<p>«بررسی وضعیت و نیز برنامه‌ریزی کلان» مأموریتی است که در اهداف این دوره نیز تکرار می‌شود. «همکاری، هماهنگی، نظارت بر حسن اجرا و ارزیابی عملکرد نهادهای مرتبط با جوانان و ارائه گزارش عملکرد آنها به شورای عالی جوانان»، «نظارت بر خدمات مشاوره‌ای»، «برقراری ارتباط با صاحب‌نظران»، «بررسی جهت مصون‌سازی جوانان از ابتلا به انحرافات» و نیز «فراهم نمودن موجبات و تسهیلات لازم جهت پشتیبانی و پیشبرد امور جوانان» مأموریت‌های دیگری هستند که با توجه به تجربه مقطع گذشته مورد تأکید بیشتر قرار می‌گیرند. «منشور تربیتی نسل جوان» به‌عنوان مهم‌ترین دستاورد مکتوب دوره قبل به این دوره انتقال می‌یابد.</p>	<p>محتوای وظایف نهادی</p>
<p>آنچه هویت «مرکز ملی» را با «شورای عالی» جوانان متمایز می‌سازد کاربرد مفاهیم جدید «مشارکت» و «سازمان‌های غیردولتی جوانان» است. چراکه «مشارکت» به‌عنوان راهبرد ذهنی- مفهومی و «سازمان غیردولتی جوانان» به‌عنوان ابزار عینی- مادی برای تحقق اهداف و شعارهای دولت اصلاحات یعنی «توسعه سیاسی» طراحی شدند و از این بابت، «جهت‌گیری» نهاد فراگیر جوانان در ایران را دگرگون کردند. ضمن اینکه «برگزاری گردهمایی‌ها، نشست‌ها و جشنواره‌های ملی» نیز راهبردی برای تحقق «فرهنگ‌سازی» قلمداد می‌شود.</p>	<p>مختصات ساختاری- عملکردی</p>

۲-۳. سازمان ملی جوانان

جدول ۴. سازمان ملی جوانان در یک نگاه

<p>شعارهای دولت و رئیس‌جمهور وقت در زمینه آزادی، توسعه سیاسی، جامعه مدنی و... از یکسو و طرح ایده «شکاف نسلی» در حوزه جوانان از سوی دیگر.</p>	<p>زمینه‌های بازنگری ساختاری</p>
<p>بر اساس ایده «شکاف نسلی» که تئوری میانجی و واسط انتقال جوانان به چارچوب‌های مرتبط با مفهوم «جامعه مدنی» بود، یکم- نقش‌آفرینی دولت در امور جوانان ایدئولوژیک، سخت‌گیرانه، مداخله‌جویانه و غیرموجه بوده‌است، دوم- جوانان گروهی از جامعه‌اند که فاقد توان ساختاری لازم برای مشارکت در امور سیاسی اجتماعی هستند، سوم- تنها تشکل‌های غیردولتی می‌توانند زمینه لازم برای گسترش مشارکت جوانان در اداره جامعه را فراهم سازند، چهارم- وظیفه معمول دولت، تسهیل‌گری فعالیت NGOهاست. ضمن این‌که طبق ایده اخیر، جوانان بطور خاص، مشکل اوقات فراغت دارند و به‌واقع، آسیب‌های اجتماعی موجود بیش از آن‌که ناشی از تهاجم فرهنگی باشد متأثر از اوقات فراغت نامناسب است.</p>	<p>فضای متناظر</p>

<p>اقدام نهادی</p>	<p>مطابق ماده (۱۵۷) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹-۱۳۸۳) «مرکز ملی جوانان» جهت ساماندهی امور جوانان کشور به صورت ساختار متناسب با این مأموریت به «سازمان ملی جوانان» تبدیل گردید. تکامل «سازمان ملی جوانان» مشتمل بر چهار مرحله است: تصویب قانون تأسیس «سازمان ملی جوانان» (۱۳۷۹/۱/۱۷)؛ تدوین اساسنامه «سازمان» (۱۳۷۹/۹/۲)؛ تأیید بودجه مستقل و لزوم اصلاح تشکیلات «سازمان» (۱۳۸۰/۹/۱۱)؛ توسعه حوزه فعالیت و تحکیم جایگاه قانونی «سازمان» (۱۳۸۲/۸/۱۱). در نهایت، تأمین نیروی انسانی و منابع مورد نیاز سازمان ملی جوانان نیز در قانون بودجه سال ۱۳۸۳ و قانون برنامه چهارم توسعه اعمال گردید.</p>
<p>محتوای تکالیف نهادی</p>	<p>اگر مهمترین دستاورد شورای عالی جوانان، تبیین «منشور تربیتی نسل جوان» بود، اصلی ترین وظیفه مرکز ملی جوانان، فراهم سازی موجبات تحقق منشور فوق الذکر تعیین گردید. تحولی که نشان دهنده حرکت و تمایل ساختار فوق از نهادی سیاستگذار به نهادی اجرایی است. این تمایل با تلاش در جهت تدوین «برنامه جامع ساماندهی امور جوانان» در قالب سازمان ملی جوانان تشدید شد و به رغم وجود مخالفت‌هایی با فرایند مذکور (فی المثل ن.ک: نقد سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱) پیش برده شد. بر این اساس، سازمان موظف شد: الف) در راستای گسترش سازمان‌های غیردولتی جوانان (N.G.O)، نهادینه کردن و ارتقای مشارکت آنان در تصمیم‌سازی و مدیریت امور جوانان، نسبت به تشکیل «مجمع ملی جوانان» اقدام و سازوکار لازم را پیش‌بینی کرده و با هماهنگی و همکاری دستگاه‌های اجرایی کشور اجرا نماید. ب) به منظور اهتمام به امور رفاهی و تقویت منزلت اجتماعی جوانان، با همکاری وزارت امور اقتصادی و دارایی و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط، نسبت به طراحی و اجرای برنامه ملی «کارت جوان» با مشارکت بخش خصوصی اقدام کند، به گونه‌ای که کلیه جوانان تا پایان برنامه چهارم توسعه بتوانند از امتیازات این کارت بهره‌مند شوند.</p>
<p>مختصات تکلیفی - عملکردی</p>	<p>در این دوره نیز اهدافی مانند «تهیه و ارائه گزارش وضعیت جوانان کشور در سطح ملی»، «مطالعه در حوزه‌های راهبردی امور جوانان»، «دریافت گزارش عملکرد و میزان اثربخشی فعالیت‌های مرتبط»، «بررسی قوانین و مقررات مربوط جهت رفع کاستی‌ها»، «ساماندهی و نظارت بر مراکز خدمات مشاوره‌ای و اطلاع‌رسانی جوانان»، «همکاری در تعیین ضوابط و استاندارد برای فعالیت‌های مراکز فرهنگی و هنری مربوط به جوانان» و... تغییر بنیادی نسبت به اهداف گذشته این مجموعه ندارد. بعلاوه اهدافی مانند «تدوین برنامه جامع ساماندهی امور جوانان با عنایت به نقش و مأموریت‌های دستگاه‌های مختلف دولتی و غیردولتی» و «طراحی و مدیریت برنامه‌های ملی و فرابخشی مرتبط با جوانان» افزایش قدرت اجرایی سازمان را نشان می‌دهد. در عین حال، تغییرات اساسی را باید در مأموریت‌هایی جستجو کرد که در مجموع حاوی پیام جایگزینی ایده «تهاجم فرهنگی» با ایده «شکاف نسلی» است: ۱. شناسایی، نظارت، حمایت و تقویت تشکل‌های غیردولتی جوانان؛ ۲. کوشش به منظور شناسایی فعالیت‌های قابل واگذاری دستگاه‌های اجرایی به تشکل‌ها و سازمان‌های غیردولتی جوانان؛ ۳. ساماندهی فعالیت‌های فراغتی نسل جوان.</p>

۲-۴. وزارت ورزش و جوانان^۱

جدول ۵. وزارت ورزش و جوانان در یک نگاه

<p>در بازه سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۷۹ «ساماندهی امور جوانان» وظیفه اصلی نهاد فراگیر جوانان در ایران بوده و عمدتاً شامل چهار فعالیت می‌شد: ۱. مطالعه درباره وضعیت جوانان و راهکارهای حل معضلات آنان؛ که به اجرای پژوهش‌های متعدد در درون سازمان ملی جوانان منجر شد. ۲. فعالیت‌های فراغتی نسل جوان؛ که به واسطه محدودیت اعتبارات هزینه‌ای به خروجی قابل توجهی نینجامید. ۳. تقویت تشکلهای غیردولتی جوانان؛ که علیرغم توسعه چشمگیر آن تا سال ۱۳۸۴ با روی کار آمدن دولت نهم از سرعت رشد آن کاسته شد. یکی از مشکلات NGOها وابستگی آن‌ها به حمایت‌های دولتی و نیز اعمال سلیقه دولت‌ها در تخصیص کمک‌ها بوده و هست. ۴. برگزاری گردهمایی‌ها، نشست‌ها و جشنواره‌های ملی؛ که بخش مهمی از فعالیت سازمان ملی جوانان در دولت نهم را به خود اختصاص داد.</p>	<p>تثبیت تکالیف نهادی</p>
<p>وزارت ورزش و جوانان در مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۲ با مصوبه مجلس شورای اسلامی و از طریق ادغام سازمان تربیت بدنی و سازمان ملی جوانان تشکیل شد. تأسیس وزارت ورزش و جوانان ناشی از تغییر رویکرد حاکمیت نسبت به جوانان صورت پذیرفته، بلکه نوعی اصلاح ساختاری- تشکیلاتی به منظور افزایش نظارت بودجه‌ای، کاهش حوزه‌های انحصاری دولت و نیز پاسخگوسازی مالی- برنامه‌ای مجریان در برابر مجلس بوده است.</p>	<p>زمینه‌های بازنگري ساختاری</p>
<p>در سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۹۰ تحول چشمگیری در رویکردهای پیرامون جوانان پدید نیامد اما وزارت ورزش و جوانان پس از گذشت سالیانی از زمان تأسیس خود صاحب «قانون اهداف، وظایف و اختیارات» شد (مصوبه ۱۳۹۹/۶/۱۶ مجلس شورای اسلامی). از ویژگی‌های این دوره دایر شدن مجموعه «خانه‌های جوانان» است که به عنوان محفلی برای پاتوق جوانان و طرح مسایل و مشکلات آنان، مراکزی برای تبادل اندیشه و فعالیت NGOهای استانی جوانان، ایجاد فضای شاد برای جوانان و جذب حداکثری آنان، برگزاری جلسات هماهنگی و تعامل جوانان با مسئولان و بخش خصوصی، هم‌اندیشی بین سمن‌های مختلف به منظور هم‌افزایی و جلوگیری از موازی‌کاری، مساعدت در تأمین مکان به‌ویژه برای NGOهای تازه تأسیس و فاقد قدرت مالی، تجمع سمن‌ها برای ایجاد وحدت رویه و افزایش قدرت چانه‌زنی، سهولت اطلاع‌رسانی به جوانان و سمن‌های مرتبط و... یاد شده است. با این همه، حمایتگری دولت، برگزاری کلاس‌های مرتبط با مهارت‌آموزی، توانمندسازی جوانان برای کارآفرینی و اشتغال‌زایی مهم‌ترین فعالیت خانه‌های جوان به‌شمار می‌رود. این درحالیست که کماکان نهاد فراگیر جوانان درگیر تبعات ادغام پیشین است و می‌کوشد از طریق شکستن مقاومت‌ها ساختمان‌های سازمان ملی جوانان سابق در استان‌ها را بازپس گیرد و تا آن زمان به املاک استیجاری روی آورده است (خانه جوانان کجاست، ۱۳۹۵).</p>	<p>تصریح تکالیف و نوآوری در وظایف</p>

۱. برگرفته از قسمت معرفی وزارت ورزش و جوانان؛ مندرج در سایت این وزارتخانه (آدرس: <http://msy.gov.ir>).

۲. چارت وزارت ورزش و جوانان شامل شش معاونت «توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای»، «امور فرهنگی و توسعه ورزش همگانی»، «توسعه ورزش بانوان»، «امور جوانان»، «امور حقوقی، مجلس و استان‌ها» و «توسعه مدیریت و منابع» است.

<p>تشکیل وزارت ورزش و جوانان سبب تغییر راهبردی در رویکردهای موجود نشد؛ موضوعی که معاونت‌های مختص جوانان در این وزارتخانه^۲ نشانگر آنست:</p> <p>* معاونت ساماندهی امور جوانان، شامل: ۱. دفتر هماهنگی و ساماندهی امور جوانان، ۲. اداره کل مشارکت اجتماعی جوانان، ۳. اداره کل طرح‌های ملی جوانان.</p> <p>* معاونت امور فرهنگی و تربیتی، شامل: ۱. دفتر امور فرهنگی، ۲. دفتر برنامه‌ریزی تربیتی، ۳. دفتر برنامه‌ریزی ازدواج و تعالی خانواده.</p> <p>همانطور که ملاحظه می‌شود «دفتر هماهنگی و ساماندهی امور جوانان»، «اداره کل مشارکت اجتماعی جوانان» و «اداره کل طرح‌های ملی جوانان» برگرفته از وظایف نهاد فراگیر جوانان در ایران از بدو تأسیس تاکنون است. همچنین، «دفتر برنامه‌ریزی ازدواج و تعالی خانواده» محصول مدیریت سازمان در دولت نهم است، که در ادامه نوشتار بررسی خواهد شد. بعلاوه از آنجا که «دفتر امور فرهنگی» و «دفتر برنامه‌ریزی تربیتی» نیز هدف خود را کار فرهنگی قرار دادند اولاًً بعید نبود به دام روش‌های جشنواره‌ای و نمایشگاهی بیفتند، ثانیاًً بدون اصلاح شرایط ساختاری کشور موفقیت نصایح و توصیه‌های اخلاقی به جوانان چندان امیدوارکننده نمی‌توانست باشد. البته این ساختار پایدار نبود و در اصلاحات بعدی تنها عملکرد يك معاونت به حوزه جوانان ناظر گردید و معاونت دوم کاملاً در فضای تربیت بدنی ادغام شد:</p> <p>* معاونت امور جوانان، شامل: ۱. دفتر برنامه‌ریزی و توسعه اجتماعی جوانان، ۲. دفتر هماهنگی و نظارت بر امور جوانان، ۳. اداره کل طرح‌های ملی و فراگیر جوانان، ۴. اداره کل مشارکت‌های اجتماعی و فعالیت‌های داوطلبانه جوانان.</p>	<p>اصلاحات ساختاری خرد</p>
--	--------------------------------

مطابق آنچه گفته شد سیر تحول نهاد فراگیر جوانان در ایران را می‌توان در جدول زیر ملاحظه کرد.

جدول ۶. مراحل تحول نهاد فراگیر جوانان پس از انقلاب اسلامی

<p>تأسیس شورای عالی جوانان - ۱۳۷۱</p> <p>(با هدف ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌های مرتبط با حوزه جوانان به‌مثابه امر فرابخشی)</p>	<p>دولت سازندگی</p>	<p>è</p>
<p>کافی نبودن شورای عالی جوانان (بدلیل نداشتن بودجه برای تخصیص و در نتیجه فقدان ضمانت اجرایی)</p>	<p>خروجی مباحثات درباره نهاد موجود</p>	
<p>افزودن مرکز ملی جوانان به شورای عالی جوانان - ۱۳۷۷ (اضافه کردن يك مجموعه عملیاتی - تخصصی به شورا)</p>	<p>دولت اصلاحات</p>	<p>è</p>
<p>ارتقاء مرکز ملی جوانان به سازمان ملی جوانان - ۱۳۷۹ (کاهش محدودیت‌های اجرایی در سطح معاونت رئیس‌جمهور)</p>	<p>خروجی مباحثات درباره نهاد موجود</p>	
<p>تخصیص اعتبارات مالی بیشتر و ارتقاء جایگاه اداری - سیاسی به سازمان ملی جوانان (در اثر اصلاح تشکیلات، تأمین نیروی انسانی و منابع مورد نیاز)</p>		
<p>برجسته شدن ضرورت نظارت بر بودجه و عملکرد سازمان ملی جوانان (متأثر از حساسیت‌های سیاسی)</p>		

ایجاد ساختار وزارت ورزش و جوانان - ۱۳۸۹	دولت	ع
(تأمین دغدغه نظارت بیشتر مجلس شورای اسلامی، از میان رفتن موقعیت برتر نهادی معاونت رئیس‌جمهور و تبدیل آن به دستگاهی هم‌تراز سایر دستگاه‌های مرتبط با حوزه جوانان)	مهرورزی	
تصویب قانون اهداف، وظایف و اختیارات وزارت ورزش و جوانان - ۱۳۹۹	دولت اعتدال	ع
(تثبیت ساختار نهاد فراگیر جوانان با اولویت مقوله ورزش)		

۳. مروری بر مختصات عملکردی نهاد فراگیر جوانان در ایران

۳-۱. اهداف و وظایف

نگاهی به دوره اولیه نهاد فراگیر جوانان - یعنی «شورای عالی جوانان» که با دولت دوم سازندگی مصادف شد - نشان می‌دهد تأکید رهبر انقلاب اسلامی بر «تهاجم فرهنگی» و عدم همراهی مسئولان وقت با این ایده، منجر به شکل‌گیری فضایی ابهام‌آمیز درباره اهداف، برنامه‌ها، سازوکار فعالیت‌ها و سرانجام ساختار نهاد فراگیر جوانان در آن مقطع زمانی شده بود (ن.ک: نوده‌فراهانی، ۱۳۹۰ ب). به عبارت دیگر، سیاست‌گذاران وقت علی‌رغم پذیرش نسبی ایده تهاجم فرهنگی، آن را برای تبیین وضعیت حاکم ناکافی دانسته و بنابراین «هماهنگی و ساماندهی امور جوانان»، «انجام طرح‌های ملی درباره جوانان» و «پر کردن اوقات فراغت جوانان» را به‌عنوان مهم‌ترین راهبردهای مجموعه تازه تأسیس برگزیدند که این امر خود را در ساختار و نیروهای جذب شده این سازمان و در نتیجه در عملکرد آن متبلور می‌سازد.

طبق مصوبه اولین جلسه شورای عالی جوانان (مورخ ۱۳۷۱/۷/۱۵) کمیسیون‌های اوقات فراغت، تعلیم و تربیت، اشتغال، ازدواج، امور اجتماعی و سیاسی به تصویب می‌رسد (مجموعه مصوبات شورای عالی جوانان، ۱۳۸۵: ۱۱)؛ ترکیبی که نشانگر نگرش اعضا به اولویت‌های جوانان است.

در دوره دوم نهاد فراگیر جوانان که - مصادف با دولت اصلاحات - ابتدا «مرکز ملی جوانان» و سپس «سازمان ملی جوانان» تشکیل شد، ضمن پذیرش پیش‌فرض‌های دوره نخست، حضور ایده «شکاف نسلی» در اندیشه سیاست‌گذاران وقت و ترویج آن در جامعه علمی، سبب بروز تحولاتی در سازمان گردید. اجمالاً ایده شکاف نسلی مروج این گفتار بود که ارزش‌های نسل سوم انقلاب (جوانان و فرزندان) با ارزش‌های نسل اول (حاکمان و والدین) متفاوت است و اتفاق نظری پیرامون ارزش‌های انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و زیرساخت‌های دینی آن وجود ندارد و بدین ترتیب، ساختارهای سنتی فعالیت‌های اجتماعی - سیاسی نظیر هیئت‌ها، مساجد و... برای فعالیت‌های موردنظر

جوانان کارایی نخواهد داشت. بنابراین می‌بایست متناسب با ارزش‌های جدید نسل جوان، ساختار کارآمد و مدرن NGO پدید آید (ن.ک: نوده‌فراهانی، ۱۳۹۰ الف). به‌عبارت دیگر، ایده شکاف نسلی که فرزندان را در برابر والدین و جوانان را در مقابل حکومت تصویر می‌کرد، راهبرد اصلی خود را ایجاد زمینه فعالیت جوانان در ساختاری جدید و بیرون از نهاد خانواده و دولت می‌دانست تا بستر شکوفایی فرزندان/جوانان و تأثیرگذاری آنان بر خانواده/حکومت را فراهم کند. فلذا در این دوره، سازمان‌های مردم‌نهاد غیردولتی که محدودیت‌های ادعایی را نداشتند، تجویز و توصیه شدند و گسترش NGO ها مورد تأیید قرار گرفت.

از منظر پارادایم انتقادی، سازمان‌های غیردولتی جوانان ازجمله اجزاء جامعه مدنی‌اند که با کشف به‌موقع نیازها، خواسته‌ها و مطالبات در حال ظهور جوانان و انعکاس آن‌ها به دستگاه‌های دولتی، مانع غافلگیری دولت از مواجهه با مطالبات برآورده‌نشده می‌شوند؛ بنابراین، پیش‌فرض اصلی ایجاد NGO ها، وجود شرایط نامساعد برای زنان، کودکان و جوانان در جامعه و تلاش برای ساماندهی آنان با شعار «توانمندسازی» بوده است (وضعیت سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان در سال ۱۳۸۵: ۲۵). بر این اساس، طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۹ تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان از روند روبه‌رشدی برخوردار شد و دستگاه‌های مرتبط سعی کردند با افزایش حمایت مالی و سیاسی از این سازمان‌ها، شرایط لازم برای افزایش نقش‌آفرینی و فعالیت‌شان را فراهم کنند. اگرچه اوج این روند در سال ۱۳۸۳ بود اما در سال ۱۳۸۴ با کاهش حمایت دولت از سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان، از تعداد این سازمان‌ها و همچنین اعضای آن‌ها کاسته شد (همان: ۲۴). فرآیند طی شده در این سال‌ها به نحوی بوده که بسیاری اذعان کرده‌اند:

در دوره‌هایی از مدیریت اجرایی کشور در برخورد با موضوع شکل‌های غیردولتی، افراط‌ها و بعضاً تفریط‌هایی صورت گرفته است. به‌طوری‌که در برخی دوره‌ها به شکل بسیار گسترده و افراط‌گونه‌ای به شکل‌های غیردولتی بها داده شد و شکل‌های زیادی بدون عبور از مراحل رشد و تکوین اجتماعی پا به عرصه وجود نهادند و عملاً توسط نهادهای دولتی و حکومتی "تأسیس" شدند و برعکس در دوره بعد شکل‌های غیردولتی به دلیل سیاست‌های نادرست و بهره‌برداری سیاسی در گذشته، مورد بی‌اعتمادی قرار گرفته و به‌عنوان پیاده‌نظام جریان برانداز نظام تلقی شدند و از کمترین حمایت محروم شدند (افتخاری، ۱۳۸۹: ۲۹-۲۸).

علاوه بر این در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ صحنه‌های نابهنجار اختلاط یا دوستی دختران و پسران و نیز گزارش‌های مربوط به رشد محسوس مسائل اخلاقی در جامعه مطرح شد. در پاسخ به این مسئله، در دوره سازندگی ززمه‌هایی درباره تأسیس «خانه‌های عفاف» شنیده شد که این امر به واسطه مخالفت‌های سنگین هرگز به صورت جدی دنبال نگردید. بالعکس در دوره اصلاحات، سخت‌گیری نسبت به جوانان، مورد انتقاد سیاست‌گذاران بود؛ آن‌ها استدلال می‌کردند بزرگ‌نمایی مسائل موجود و برخوردهای سلبی، چاره‌ساز نیست، بلکه وجود صحنه‌های نابهنجار در جامعه اگرچه تا حدودی از سلامت ریاکارانه محیط می‌کاهد، اما در عمل از پیدایش و گسترش مفاسد و نابهنجاری‌های زیرزمینی جلوگیری می‌کند.

در دوره مهرورزی، به مدعیات دوره‌های پیشین مبنی بر ضرورت هماهنگی و ساماندهی امور جوانان، انجام طرح‌های پژوهشی ملی و گسترش مشارکت‌های اجتماعی، نگاه مثبتی وجود داشت؛ اما تمرکز بر امر ازدواج جایگزین رویکردهای پیشین (خانه عفاف و گسترش آزادی) گردید. همچنین به دلیل وجود انتقادهای سیاسی و تئوریک علیه NGO ها، عنوان NGO مشمول نوعی بومی‌سازی صورتی قرار گرفته و به «سمن» تغییر یافت. تمرکز بر ازدواج نیز به دو صورت کلی مورد نظر بود: ۱. ازدواج دائم، ۲. ازدواج موقت. راهکار ازدواج دائم با تکیه بر چهار محور (فرهنگ‌سازی؛ تجمل‌زدایی و ازدواج آسان؛ افزایش وام ازدواج؛ و مسکن مهر) مورد توصیه قرار گرفت که شعار «ازدواج بهنگام، آسان و آگاهانه» محصول آن بود. راهکار ازدواج موقت نیز به‌عنوان راه‌حلی برای مسائل اخلاقی جوانان از سوی برخی سیاستمداران و در قالبی بسیار محدود مطرح گردید که با مخالفت‌های بنیادی (به‌ویژه از جانب فمینیست‌ها، جریان‌ات سکولار و هواداران رویکردهای پیشین) مواجه شد.

از اقدامات صورت گرفته برای گفتمان‌سازی و فرهنگ‌سازی در حوزه جوانان طی سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۸۴ می‌توان به برگزاری همایش‌ها، نمایشگاه‌ها و رویدادهای ملی، نامگذاری روز یازدهم شعبان مصادف با سالروز ولادت حضرت علی اکبر (ع) به «روز جوان»^۱، نامگذاری روز اول ذی‌الحجه، سالروز ازدواج حضرت علی (ع) و حضرت زهرا (س) به «روز ازدواج جوانان»^۲ و نیز برگزاری همه‌ساله جشنواره حضرت علی اکبر (ع) در روز جوان اشاره کرد.^۳

۱. در ۱۷ دسامبر ۱۹۹۹ (مصادف با ۱۳۷۸/۹/۲۶) مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز ۱۲ اگوست (۲۱ مردادماه) را به عنوان روز جهانی جوانان اعلام کرده است.

۲. جلسه ۱۳۸۶/۵/۲ شورای عالی جوانان.

۳. جشنواره حضرت علی اکبر (ع) در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ توسط سازمان ملی جوانان، در سال ۱۳۸۹ با عنوان «جشنواره ملی جوان ایرانی» و در سال ۱۳۹۱ توسط وزارت ورزش و جوانان برگزار شد.

تشکیل خانه‌های جوانان - به مثابه تلفیق ایده‌های توانمندسازی و کارآفرینی - نیز از ابتکارات دوره اعتدال بود. از مهم‌ترین اقدامات این خانه‌ها برگزاری کارگاه‌های آموزشی است که بنا به دیدگاه‌های حاکم بر مدیران محلی و سمن‌های جوانان متفاوت است، اما فی‌المثل عناوین کلی کارگاه‌های خانه جوانان خراسان شمالی عبارتند از: رایانه و اینترنت، کشاورزی و دامپروری، صنایع دستی، سلامت و زیبایی، عمران و ساختمان، هنر و موسیقی، مهارت‌های بازار، مهارت‌های حقوقی، و مهارت‌های زندگی. به همین ترتیب، ارائه خدمات مشاوره‌ای نیز توسعه چشمگیری یافته و فی‌المثل در بخش «الو کارشناس» شاهد ارائه خدمات زیر هستیم: کارشناسان حقوقی خانه جوانان، مشاوران کسب و کار و بازار سرمایه، کارشناسان مشاوره خانواده، کارشناسان سلامت و زیبایی، کارشناسان احکام شرعی، کارشناسان کشاورزی و دامپروری، کارشناسان رایانه و فناوری اطلاعات، کارشناسان عمران و ساختمان، مشاوره مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، مشاوره علوم اجتماعی و ارتباطات، مشاوره صنعت شیمی و برق. در نهایت، گسترش ایده کسب و کار و رویکرد استارت‌آپی دولت اعتدال سبب راه‌اندازی «مراکز نوآوری و شکوفایی جوانان» (منش؛ برنامه شتاب‌دهی کسب و کارهای فناورانه جوانان) با همکاری سازمان جهاد دانشگاهی شد.

از دیگر ویژگی‌های مشترک در تمام ادوار نهاد فراگیر جوانان، توجه بر لزوم ایجاد واحدهای مشاوره‌ای است^۱. در این چارچوب، مشورت و مشاوره نقش مهمی در حل مسائل جوانان دارد اما اولویت ارائه مشاوره با والدین، افراد باتجربه و کارشناسان تحصیل‌کرده است. گو اینکه به لحاظ نظری، در یک جامعه دینی، روحانیت از موقعیت مناسب‌تری برای ارائه مشاوره برخوردار است. در عین حال، بی‌توجهی به ناسازگاری‌های انسان‌شناسی، هستی‌شناسی و روش‌شناسی علم مدرن بعلاوه عملکرد نامناسب روان‌شناسان در این حوزه، سبب گسترش تجربه‌های ناموفق مشاوره‌ای شده است. فلذا، شناسایی حوزه‌های مورد نیاز برای مشاوره و تولید ادبیات علمی مناسب در این زمینه از اولویت‌های فراموش شده نهاد فراگیر جوانان در ایران است.

همچنین «اوقات فراغت جوانان» از دغدغه‌های نهاد فراگیر جوانان در همه ادوار بوده و برجستگی ویژه‌ای یافته است. برای درک این وضعیت باید توجه داشت کاربرد فراغت در معنای عمومی آن که مستلزم صله رحم، معاشرت با دوستان و خویشان، گردش و تفریح در

۱. در پنجمین جلسه شورای عالی جوانان (مورخ ۱۳۷۲/۱۲/۱۸) ترکیب اعضا و وظایف شورای هماهنگی مراکز مشاوره با هدف راه‌اندازی «مرکز مشاوره جوانان و نوجوانان» به تصویب رسیده است.

کنار خانواده و... می‌باشد نه تنها آسیب‌زا نیست بلکه مفید است و بخش مهمی از فرآیند اجتماعی شدن نسل‌های پیاپی و انجام مناسک دینی و ملی را تشکیل می‌دهد. با این تفاسیر، به نظر می‌رسد علت وجود اوقات فراغت ویژه در گروه سنی جوان و نوجوان، سازوکار نظام آموزش (اعم از آموزش عمومی و عالی) است. زیرا فراگیری آموزش‌های تخصصی سبب گسترش فراغت - به مثابه نوعی بی‌مسئولیتی ساختاریافته - شده و بالاخص، پرکردن فراغت تابستانی را به یکی از چالش‌های اجتماعی مبدل می‌سازد (ن.ک: نوده‌فراهانی، ۱۳۹۰، ج: ۲۰).

نکته دیگر درباره ادوار مختلف نهاد فراگیر جوانان، بهره‌گیری از سیستم شورایی است. زیرا شورای عالی جوانان مهم‌ترین بازوی سازماندهی امور جوانان به‌شمار می‌رود و علیرغم تغییرات مکرر نهاد مذکور، در ضرورت تداوم حفظ شورا تردید نشده است. گو اینکه چنین شوراهایی بدو با هدف هماهنگی تشکیل می‌شوند ولی به سرعت متوجه می‌شوند مصوباتشان ضمانت اجرایی نداشته و راه حل این معضله را اعطای بودجه و نظارت بر هزینه‌کردها می‌دانند. این در حالی است که فرض اصلی تشکیل سیستم‌های شورایی در جمهوری اسلامی، وجود اختلافات جزئی در مسائلی بوده است که از طریق گفتگو و تبادل نظر به حداقل کاهش یافته و سبب شکل‌گیری نوعی اتفاق نظر می‌شود، اما در بسیاری از موارد نه تنها وجود اختلافات مبنایی، عملکرد شوراهای مختلف را دچار اختلال می‌کند بلکه حتی مصوبات قانونی شورا بیش از آن که نتیجه حصول اجماع باشد، ناشی از غلبه شکننده آراء متعارض است. بدین ترتیب علیرغم تداوم شورای عالی جوانان در تمامی ادوار این نهاد، توفیقات این شورا عملاً چشمگیر و راهگشا نبوده است.

۳-۲. اقدامات و برنامه‌ها

چنانچه ماهیت اقدامات و برنامه‌های نهاد فراگیر جوانان در ایران را بر اساس پارادایم‌های اصلی علوم اجتماعی یعنی اثباتی، تفسیری و انتقادی (کرسول، ۱۳۹۴: ۴۴-۳۳) قضاوت کنیم آشکار می‌شود عمدتاً پارادایم انتقادی است که فعالیت‌های نهاد مذکور را توضیح می‌دهد؛ زیرا اهدافی نظیر تأمین وام ازدواج، تسهیل اشتغال، تولید مسکن، رفع آسیب‌های اجتماعی، نظارت بر محصولات فرهنگی، ترویج ارزش‌های اسلامی-ایرانی و... به سازمان‌ها و نهادهای تخصصی واگذار شده است و صرفاً توانمندسازی جوانان در حوزه‌های سیاسی، مشارکت‌های مدنی و مشاوره ازدواج است که برعهده نهاد فراگیر جوانان قرار دارد. در نتیجه‌ی این تقسیم‌کار، گروه

۱. در همین راستا ملاحظات و الزامات اسناد بالادستی نظیر قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام و... در حوزه جوانان حتی در لایحه تشکیل وزارت ورزش و جوانان نیز مورد توجه قرار نگرفته است (کلهر و ستاری‌فرد، ۱۳۹۶: ۱۵-۱۰).

محدودی از جوانان، خود را مخاطب برنامه‌های نهاد فراگیر مربوطه می‌دانند یا در جریان کم‌وکیف اقدامات آنند. به عبارت صریح‌تر، شاید بتوان گفت از بدو تأسیس سازمان ملی جوانان متناسب با نظریه شکاف نسلی، چارچوب پارادایم انتقادی برگزیده شد تا از طریق فراهم‌سازی زمینه مشارکت جوانان تحت انقیاد، مسیر حرکت حکومت و خانواده را به‌جانب چشم‌انداز سیاسی خویش تغییر دهد^۱. چراکه مطابق این پارادایم، دانش عامه^۲ و دریافت عمومی از خواسته‌های جوانان از جمله درباره ازدواج، اشتغال و مسکن نتیجه درک نادرست مسئله است و اصولاً هرگونه تحول عمیق، نیازمند زدودن توجیهاات و آگاهی کاذبی است که نظام حاکم برای تثبیت موقعیت خود استفاده می‌کند. همچنین، این پارادایم، احترام به هنجارهای اجتماعی، ارزش‌های فرهنگی و باورهای دینی را نوعی دعوت به حفظ وضع موجود (محافظه‌کاری) و تثبیت منافع گروه‌های مسلط می‌داند؛ بنابراین، متون انتقادی در این حوزه نه‌تنها به بررسی دشواری‌ها و ناملايمات زندگي جوانان پرداخته و آن را ناشی از تسلط پیرسالاران و هنجارهای سخت‌گیرانه نسل‌های گذشته می‌پندارد بلکه توانمندسازی جوانان را از طریق تأمین پشتوانه‌های حقوقی و قضایی گسترش مشارکت‌های مدنی، برقرار ساختن ارتباط با نهادهای جهانی مربوطه و... تعقیب می‌نماید. بدین‌روى، یکی از مقاصد نهادهای بین‌المللی در حوزه جوانان همانا یکسان‌سازی فرهنگی و فشار بر نهادهای فراگیر ملی به‌منظور تبعیت از الگوهای غربی است.

از این منظر، ساختاری نهاد فراگیر جوانان در قالب معاونت رئیس‌جمهور می‌تواند فشارهای خارجی برای تحمیل ایده‌های‌شان به دولت را افزایش دهد، درحالی‌که گنجانده شدن نهاد فراگیر جوانان ذیل یک وزارتخانه اجرایی و تحت نظارت قوه مقننه سبب کاهش فشارها بر قوه مجریه و برعهده گرفتن بخشی از مسئولیت آن توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌شود. ضمن اینکه اداره نهاد فراگیر جوانان بر پایه پارادایم انتقادی، به دلیل بی‌توجهی به نیازهای اساسی مخاطبان نمی‌تواند به کاهش معضلات آنان کمک مؤثری بنماید بلکه اقدامی برخلاف مصالح اجتماعی حاکمیت است.

البته امروزه جریان‌ات فرهنگی رقیب در عرصه هنر، سینما، موسیقی، صنایع سرگرمی و زیبایی، شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان، فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی و... در

۱. برخی معتقدند سازمان‌های مردم‌نهاد در جهان غیرغربی، نتوانستند در موضع چپ شکل بگیرند. فی‌المثل، در جمهوری اسلامی مدعیان مطالبات سیاسی رهایی‌بخش، طبقات متوسط اجتماعی و بالای اقتصادی هستند؛ یعنی از لحاظ سیاسی چپ‌گرا و از جهت اقتصادی راست‌گرا.

حال تبدیل «سبک زندگی» به مبنای جدیدی برای مقاومت در برابر فرهنگ اسلامی- ایرانی هستند. مقاومتی که در فضایی مصرفی- فراغتی و با نشانه‌گیری زنان، جوانان و کودکان واقع می‌شود.^۱

۳-۳. کارآمدی

بررسی کارآمدی نهاد فراگیر جوانان در ایران مستلزم شناسایی دلیل یا دلایل ورود دولت به حوزه جوانان است. به نظر می‌رسد در دوره نخست، تعریف و برداشت آسیب‌شناسانه خاصی از جوان و جوانی بر اندیشه دولتمردان غلبه داشته که ورود دولت به این عرصه را موجه کرده است. از این نظرگاه، جوان فردی است که به دلایل ساختاری (تحصیل در مدرسه و دانشگاه به‌علاوه‌ی گذران سربازی) دچار تعویق در کسب درآمد و استقلال فردی و در نتیجه، تأخیر در ارضای مشروع‌گزینه جنسی (ازدواج) است، فراغت زیاد و آسیب‌زا (و ندرتاً دوست‌ناباب) دارد و پس از رهایی از تحصیل به خیل بیکاران و بعضاً بزه‌کاران می‌پیوندد. به عبارت دیگر، فقدان استقلال اقتصادی جوان سبب ناتوانی از تشکیل خانواده شده و بعضاً باعث درگیری فرد در فراغتی آسیب‌زا می‌شود. حال چه باید کرد؟ ساماندهی فراغت؟ طولانی کردن تحصیل که فرد را ذیل حمایت مالی خانواده نگاه داشته و سرخوردگی ناشی از بیکاری را به تعویق می‌اندازد؟ و یا مشاوره دادن به جوانی که با تأخیر طولانی ازدواج کرده و نمی‌تواند رفتارهای تنش‌آفرین پیش از تأهل را ترک نماید؟ متناظر این پرسش‌ها، تلاش‌های نهاد فراگیر جوانان در ایران، بسیار منفعلانه و غیربنیادی بوده و اثرگذاری آن‌ها نیز محل تردید است.

تردید درباره کارآمدی این نهاد در حالی است که نگاهی به فعالیت‌های سازمان مزبور نشان می‌دهد مسئله اوقات فراغت یکی از حوزه‌های پراهمیت آن بوده (ن.ک: ملاحظاتی درباره پیش‌نویس اساسنامه سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱) و فی‌المثل، تلاش برای گسترش تشکل‌های جوانان و «طرح ملی گردشگری جوانان»^۲ اهم فعالیت‌های سازمان مزبور در سال ۱۳۷۹ را تشکیل داده است (اساسنامه سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱: ۱۸). این تأکید بر اولویت‌هایی همچون «اوقات فراغت» در فضایی به‌وقوع پیوست که نه‌تنها جامعه و دولت نگرانی خاصی برای اوقات فراغت جوانان متأهل ندارند بلکه اوقات فراغت این

۱. بدین منوال، راهبرد دولت‌های اصلاحات و اعتدال، به‌ترتیب حمایت از تأسیس NGO و راه‌اندازی خانه (کلپ‌های) جوانان بوده است.

۲. طی این طرح قرار بود حدود دو میلیون جوان طی پنج‌ماه به سفرهای گردشگری گروهی بروند. دستگاه‌های مجری شامل: آموزش و پرورش، هلال احمر، جهاد دانشگاهی مرکزی، جهاد سازندگی، نیروی مقاومت بسیج بودند. زمان اجرای طرح از ۲۰ تیر تا ۱۵ آذر ۱۳۷۹ اعلام شد و اعتبار پیش‌بینی شده نیز ۲۰ میلیارد ریال بود (ملاحظاتی درباره پیش‌نویس اساسنامه سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱: ۱۸).

اقتدار می‌تواند به گسترش اقتصاد خدمات و صنعت فراغت بینجامد.

تجربه نهاد فراگیر جوانان در ایران نیز مؤید این نکته است که علیرغم تمام تلاش‌های صورت گرفته، از بدو تأسیس تاکنون نه تنها معضلات مدّ نظر کاهش نیافته است بلکه عملاً برخی متولیان از اصلاح این حوزه مأیوس‌اند. چراکه به تعویق انداختن مسائل از طریق ساماندهی فراغت، تعلیق بیکاری و مشاوره برای جبران تأخیر در ازدواج، راه‌حل‌های کلیدی نیستند، بلکه راه‌حل اصلی، کاهش فاصله بلوغ تا اشتغال و ازدواج است. مشکل آن است که کسی در ضرورت تحصیل همه افراد، لزوم وجود شکاف زیاد میان دستمزد مدرک‌داران و بی‌مدرکان، کیفیت و تناسب رشته‌های آموزش داده‌شده با شرایط جامعه و نیازهای کشور تردید نمی‌کند.

بنابراین، مهم‌ترین هدف نهاد فراگیر جوانان در ایران می‌بایست مسئله «ازدواج جوانان» باشد، نه زمینه‌سازی برای تأمین اوقات فراغت یا گسترش مشارکت سیاسی-اجتماعی. درحالی‌که طی دهه‌های گذشته مهم‌ترین اقدام مسئولان برای تسهیل ازدواج جوانان را اعطای وام و نصیحت جوانان و خانواده‌ها- ذیل عنوان مبهم فرهنگ‌سازی- تشکیل داده است. متقابلاً، مادامی‌که فهم عامه (عقل سلیم)، اندرزهای والدین و پیام‌های غیرمستقیم ولی شفاف ساختار بوروکراتیک کشور- مبنی بر به تأخیر انداختن ازدواج و طی کردن بیشتر پله‌های ترقی- را دریافت می‌کند و فی‌المثل می‌گوید با گرفتن مدارک تحصیلی بالاتر، احتمال افزایش چشمگیر درآمد ماهیانه یا مهاجرت فرد وجود دارد، چنین راهکارهایی اثرگذار نیست.

۴. لزوم بازاندیشی در ساختار و ایده سیاستی نهاد فراگیر جوانان

تلاش به‌منظور شناسایی نیازهای جوانان در ایران امر نادری نیست اما کوشش‌های صورت گرفته فاقد مبنای نظری و منطقی بوده و به‌لحاظ روش‌شناختی به‌گردآوری روش‌مند و کدگذاری دیدگاه نخبگان بسنده کرده‌اند (ن.ک: قنبری‌برزیان، ۱۳۹۳ و رحمانی‌پور، ۱۴۰۱)؛ بنابراین، صورت‌بندی نیازهای شناسایی‌شده اما متفرق در مطالعات گوناگون ضروری به نظر می‌رسد.

لزوم تمرکز بر نیازشناسی مخاطبان پای ایده جدیدی به نام «تحول مفهوم جوانی» را به میان آورده و درکنار ایده‌های «تهاجم فرهنگی» و «شکاف نسلی» مطرح می‌کند. در این چارچوب، جوانی هم در دوره‌های گذشته و جوامع سنتی (با غلبه رویکرد زیستی) و هم در جوامع مدرن و امروزی (با غلبه رویکرد فرهنگی) دارای اهمیت بسیاری است. اهمیت جوانی در جوامع سنتی منوط به وجود آمادگی جسمی و روحی برای کسب

فضایل و درجات مادی و معنوی بوده است؛ درحالی که، جوامع جدید با تکیه بر ارزش‌هایی چون منفعت‌طلبی، لذت‌جویی، مصرف‌گرایی و... برای جوانان به‌عنوان گردانندگان چرخ‌های نظام سرمایه‌داری (هم به‌عنوان نیروی کار و به‌عبارتی، سرمایه انسانی و هم به‌عنوان مصرف‌کننده) جایگاه والایی قائل‌اند.

بنابراین، به‌تبع دو گونه تعریف زیستی و فرهنگی از جوانی، نیازهای اصلی جوانان (شامل: اشتغال، ازدواج، مسکن، معنویت، هویت‌یابی، تحصیل، فراغت) را می‌توان به دو نوع «زیستی» و «فرهنگی» تقسیم کرد (ن.ک: بارکر، ۱۳۸۸: ۶۷۷). در این تقسیم‌بندی، سه نیاز نخست از جنس زیستی - ذاتی‌اند اما تحصیل و فراغت در معنای امروزی‌شان، نیازهای فرهنگی - اجتماعی هستند؛ تأمین نیازهای زیستی اجتناب‌ناپذیرند درحالی که نیازهای فرهنگی - اجتماعی، برساخته و منعطف قلمداد می‌شوند. تقدم و تأخر تأمین این نیازها زمانی نگران‌کننده می‌شود که نیازهای برساخته، موفقیت برتری در نظام سیاست‌گذاری کشور یافته و بر نیازهای زیستی ترجیح یابند؛ وضعیتی که جامعه امروز ایران را با مشکلات جدی مواجه کرده است.

البته در ادوار گوناگون برای تأمین نیاز به اشتغال و خانه جوانان در نهادهای تخصصی مانند وزارتخانه‌های کار و مسکن برنامه‌هایی تنظیم شده است اما این فعالیت‌ها در نهادهایی غیر از نهاد فراگیر جوانان تعریف شده و اغلب به نتیجه دلخواه منتهی نشده‌اند. به همین منوال، در انگلستان، اشتغال؛ آموزش در مدارس؛ یادگیری و کارآموزی مادام‌العمر؛ و مسکن؛ حوزه‌های اصلی ارائه خدمات رفاهی را تشکیل می‌دهند (الکاک و همکاران، ۱۳۹۱) و در عین حال، در قالب خدمات مربوط به گروه‌های خاص نیز مورد بررسی قرار می‌گیرند. غالباً جامعه‌شناسان جوانی را در ارتباط با گذارهای نهادی تعریف می‌کنند. از میان سه مورد برجسته‌تر می‌توان به «گذار از مدرسه به کار»، «گذار مسکن»^۲ (نقل مکان از خانه والدین) و «گذار خانوادگی»^۳ (استقلال نسبی از خانواده مبدأ و زندگی با یک هم‌خانه یا تشکیل خانواده) اشاره کرد. این در حالی است که تحول فرایندهای مذکور باعث پیدایش «گذارهای طولانی‌شده» و طردشدگی «گذارهای سنتی» شده است. بدین ترتیب، تعبیر (NEET)^۴ برای مقوله‌بندی «جوانان ۱۶ - ۱۸ ساله‌ای که مشغول تحصیلات، کار یا کارآموزی نیستند» ابداع شده و کارشناسان متوجه

1. The school to work transition
2. The housing transition
3. The domestic transition
4. not in education, employment or training

این نکته‌اند که «مشکلات به‌هم‌پیوسته» نیازمند «راه‌حل‌های به‌هم‌پیوسته» است (کولز، ۱۳۹۱: ۲۷۹-۲۷۶).

فلذا در ایران نیز چالش اصلی فعالیت‌های بخشی و پراکنده دستگاه‌های تخصصی، بی‌توجهی به ارتباط میان نیازهای متنوع است. فی‌المثل، مادامی که نحوه پاسخگویی به نیاز تحصیلی جوانان به‌عنوان عامل جهت‌دهنده به اشتغال و سکونت آنان، بازنگری و اصلاح نشود، چالش‌های اشتغال و ازدواج برطرف نخواهد شد. زیرا مقوله تحصیل به‌طور آشکاری مسئله اشتغال و سپس سکونت را متأثر می‌سازد. کما این که طبق شواهد و قرائن موجود، بسیاری از افرادی که برای تحصیل به کلان‌شهرها وارد می‌شوند در رشته‌هایی آموزش می‌بینند که زمینه اشتغال تخصصی آنان عملاً در شهرهای کوچک و روستاها مهیا نیست. بدین منوال، میان مقوله تحصیلات عالی و مهاجرت نیز رابطه وثیقی وجود دارد. همچنین، گسترش مهاجرت، بحران مسکن را در کلان‌شهرها به دنبال می‌آورد و در نتیجه، هزینه فراهم کردن مقدمات اولیه ازدواج (شامل اشتغال و مسکن) را چه برای بومیان و چه برای مهاجران افزایش می‌دهد. شکاف میان مسائل واقعی جوانان و وظایف نهاد فراگیر آن‌ها به همین جا ختم نمی‌شود بلکه حتی مسئله معنویت و هویت جوانان نیز به آسیب‌شناسی برنامه‌های دینی نیاز دارد که در عمل مورد عنایت نهاد مربوطه نبوده است. بر این اساس، تداوم وضعیت کنونی نهاد فراگیر جوانان پیامدهای بسیاری در پی خواهد داشت که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. گسترش افسارگسیخته آموزش عالی و توجیه تبعات آن ذیل شعار تربیت سرمایه انسانی و نیروی کار متخصص،
۲. ارتقاء فراغت جوانان از اولیوی درجه چندم به معضل اصلی و فوری جوانان،
۳. نسبت دادن فساد و انحراف به جوانان از جانب جریان محافظه‌کار،
۴. متهم شدن نظام اسلامی به ناکارآمدی در حوزه مدیریت جوانان توسط جریان اپوزیسیون.

در چنین فضایی می‌توان ادعا کرد: ۱. در طول سال‌های پس از انقلاب دائماً بر سرعت رشد نظام آموزش عالی افزوده شده است. ۲. روی دیگر نسبت دادن فساد و انحراف به جوانان، بسنده کردن به نصیحت و یا برخوردهای سلبی بوده است؛ اقدامی که مهم‌ترین ثمره آن دوری جوانان از نهادهای مذهبی و انقلابی است. ۳. ناکامی مدیریت نظام اسلامی در حوزه جوانان، آنان را به تهدیدی علیه حاکمیت تبدیل کرده و قالب سازمان‌های غیردولتی جوانان نوع بهره‌برداری از چنین معضله‌ای قلمداد می‌شود.

۴. یکی از مسائلی که ادوار نهاد فراگیر جوانان خود را متکفل آن دانسته و علیرغم برنامه‌های گسترده توفیق چندانی به دست نیاورده‌اند، مسئله فراغت است که آن نیز بدون عنایت به مقوله تحصیل قابل رفع نمی‌باشد. زیرا طی سه دهه گذشته، ابتدا فراغت ناشی از تحصیل مسلم فرض شده و سپس برای رفع این عارضه برنامه‌ریزی شده است. از این جهت، داشتن چارچوبی برای نشان دادن مسائل جوانان و ریشه‌های آن‌ها ضرورت دارد.

جدول ۷. نیازهای جوان

وضعیت	تأمین مشروع ↓ فرصت‌ها و موفقیت‌ها	عدم تأمین مشروع ↓ تهدیدها و آسیب‌ها	نیازهای جوان
	توفیقات فرهنگی و اجتماعی - اقتصادی	مسائل اجتماعی - اقتصادی	
اشتغال	تبدیل جوان به فعال اقتصادی، تسهیل ازدواج (غیرمستقیم)	بروز پدیده بیکاری، تأخیر در تشکیل خانواده (غیرمستقیم)	شکل‌گیری مؤلفه‌های منفی در فرهنگ اشتغال (از جمله: رواج این عقیده که پول و پارتی شرط اشتغال هستند)
ازدواج	تشکیل و استحکام خانواده، رفع نیازهای عاطفی و جنسی	دوستی با جنس مخالف، فحشا، طلاق، خشونت‌های دارای ریشه جنسی (تجاوز، اسیدپاشی و...)	شکل‌گیری مؤلفه‌های منفی در نگرش افراد به ازدواج (نظیر: بدبینی به وفاداری جنس مخالف)، جوک‌های جنسی و...
مسکن	گسترش رفاه، تسریع ازدواج و تشکیل خانواده، کاهش هزینه‌های خانواده پدری	مشکلات اقتصادی خانواده پدری، گسترش فقر و نارضایتی، تأخیر در ازدواج و تشکیل خانواده	شکل‌گیری مؤلفه‌های منفی در نگرش افراد به زندگی خانوادگی (از جمله: گرایش ذهنی به توجیه دوستی با جنس مخالف و گریز از مسئولیت‌پذیری ازدواج و فرزندآوری)

وضعیت		تأمین مشروع ↓ فرصت‌ها و موفقیت‌ها	عدم تأمین مشروع ↓ تهدیدها و آسیب‌ها
نیازهای جوان	توفیقات فرهنگی و اجتماعی- اقتصادی	مسائل اجتماعی- اقتصادی	مسائل فرهنگی
معنویت	توکل، آمادگی برای مواجهه با مشکلات، سعادت‌جویی، کمال‌طلبی	گرایش به عرفان‌های انحرافی، شکنندگی فرد در مواجهه با سختی‌ها، اعتیاد به مشروبات الکلی و مواد مخدر	ناکامی در انتقال ارزش‌های دینی، گرایش به لذت‌جویی جنسی بی‌مسئولیت، فرو رفتن در اوهام ناشی از مواد سکرآور
هویت‌یابی	تداوم ارزش‌های اجتماعی و خانوادگی	ایجاد گسل در ارزش‌های جامعه و خانواده	بحران هویت و گرایش به هنجارهای پوچ‌گرایانه غربی
تحصیل	کسب دانش، منزلت اجتماعی، سرمایه فرهنگی	آثار اجتماعی- فرهنگی کنکور، مدرک‌گرایی، مدرک‌فروشی	شکل‌گیری مؤلفه‌های منفی در نگرش افراد به علم‌آموزی (از جمله: تقلیل علم به ابزار کسب ثروت و قدرت)
فراغت	تهذیب، ورزش، گسترش فعالیت‌های جمعی و خانوادگی، رونق‌یابی خدمات و تفریحات	گرایش به رفتارهای انحرافی و بطالت‌آمیز، پرخاشگری و نزاع خیابانی، آزار دیگران	شکل‌گیری مؤلفه‌های منفی در نگرش افراد به فراغت (از جمله: تبدیل هنجارشکنی و آزار دیگران به ارزش)

(ن.ک: نوده‌فراهانی، ۱۳۹۰ ج)

علاوه بر تهدیدها و آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ناشی از عدم تأمین مشروع نیازهای جوانان، مؤلفه‌های خارجی متعددی وجود دارد که می‌تواند آثار منفی بر جامعه ایرانی برجای گذارد. این مؤلفه‌ها که از زمینه‌های بیرونی و برآمده از تمدن غرب هستند خود را در سبک زندگی متجلی می‌سازند. بدیهی است چنانچه تمامی نیازهای برشمرده در بالا نیز به صورت مطلوب تأمین شوند باز هم مشکلاتی از جانب تمدن غرب تحمیل خواهد شد که چه بسا جبران‌ناپذیر خواهد بود.

بحث و نتیجه گیری

● رویکرد اثباتی و جامعه‌شناسی نظم، بی‌شک پیوندی ناگسستنی دارند و در این چارچوب که از کارکردگرایی متأثر است؛ کارکرد عبارت از پاسخ و عملکرد سودمندی است که ناشی از وجود نیاز (های) فردی و اجتماعی ادراک شده بوده و به حفظ انسجام اجتماعی مساعدت می‌نماید (خورشیدی، ۱۳۹۴: ۱۲۵-۱۲۴). همچنین، بی‌هنجاری اجتماعی (آنومی) به شرایطی اشاره دارد که کارکردهای اجتماعی زیر سؤال رفته و از جمله به ناسازگاری میان اهداف فردی و ابزارهای موجود منجر شود (همان: ۱۳۴-۱۳۳). از این منظر، تأسیس یک نهاد اجتماعی جدید - و در این نوشتار، نهاد فراگیر جوانان - مستلزم شناسایی مسائل و چالش‌های جوانان و تأمین پاسخی درخور به آن است. بدین ترتیب، برای ترسیم ایده‌های سیاستی و اهداف و درنهایت بازاندیشی در ساختار نهاد فراگیر جوانان ابتدا باید فرآیندی منطقی برای این کار پیش‌بینی کرد. فرآیند ایجاد ساختار پیشنهادی برای حل مسائل جوانان عبارتست از: ۱. بروز مسئله و ادراک وجود آن، ۲. ارائه تبیین و برجسته‌سازی برخی عوامل مؤثر، ۳. بازسازی اهداف و وظایف نهاد مربوطه، ۴. ارائه ساختار متناسب با مأموریت تعیین شده (ن.ک: الوانی، ۱۳۸۹: ۳۱).

● فرآیند طی شده برای برپا کردن ساختار امروزی نهاد فراگیر جوانان در ایران عبارت بوده است از: ۱. بروز تحولات فرهنگی دوره پس از جنگ و درک وجود مسئله جوانان، ۲. تردید در نظریه تهاجم فرهنگی، پذیرش نظریه شکاف نسلی و برجسته‌شدن اختلافات میان‌نسلی، ۳. تأکید بر: مطالعه جوانان، زمینه‌سازی مشارکت اجتماعی - سیاسی آنان، پر کردن فراغت آن‌ها، توجه دادن به ارزش‌های اخلاقی جوانان و غیره، ۴. ایجاد نهاد فراگیر جوانان (شامل: دفتر پژوهش‌های ملی جوانان، دفتر مشارکت جوانان و...). البته در دولت نهم اصلاحاتی صورت پذیرفت که در سطح بازسازی ساختاری نبود.

● چنانچه مفروضات «فرابخشی بودن حوزه جوانان»، «ضرورت تأسیس نهاد تخصصی - اجرایی» و «لزوم نظارت نهادهای مسئول» را بپذیریم، تأسیس صورت نهادی «وزارت» در کنار «شورای عالی جوانان» معقول به نظر می‌رسد، اما برای تشکیل وزارت، دو امکان مطرح بوده است: ۱. تأسیس وزارت مستقل، ۲. ادغام با نهادی دیگر. در این شرایط، اولاً تأسیس وزارتخانه مستقل به دلیل محدودیت وظایف قابل توصیه نبود. ثانیاً به دلیل قوانین مرتبط با کوچک‌سازی دولت^۱، ادغام نهاد مذکور با نهادی مشابه - جهت تشکیل وزارتخانه جدید - صورت منطقی تری داشت؛ اما این که ادغام با کدام نهاد موجود،

۱. از جمله: بند (الف) ماده (۲۸) قانون برنامه ششم توسعه و بند (۱۶) سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی.

از مطلوبیت بیشتری برخوردار است، بستگی به دیدگاه سیاست‌گذار نسبت به پدیدار جوانی دارد. مثلاً چنانچه وجود مسئله جوانان را صرفاً به افزایش فرزندآوری در دهه ۱۳۶۰ نسبت دهیم طبیعی است که مسئله شغل، مسکن و... جوانان در سال‌های اخیر و مسئله آسایشگاه سالمندان و حمایت از بازنشستگان و ازکارافتادگان در دهه‌های بعد، ادغام این سازمان در وزارت رفاه را موجه می‌نمایاند (ن.ک: خورشیدی و همکاران، ۱۳۸۷).

● ادغام سازمان ملی جوانان و سازمان تربیت‌بدنی همچنان حول محور «فراغت» تعریف می‌شود و ساختارهای مشابه وزارت ورزش و جوانان در بسیاری از کشورهای صنعتی و غیرصنعتی وجود دارد (ن.ک: تاج‌مزیانی، ۱۳۹۴). با این همه، چنین ساختاری تنها در صورتی قابل دفاع است که برای رفع خلأهای آن بخش‌هایی در وزارت مذکور پدید بیاید تا قادر باشد ضمن انجام مطالعات لازم، زمینه ایجاد هماهنگی میان نهادهای غیرتخصصی حوزه جوانان را بر اساس فهم دقیقی از «تحول مفهوم جوانی» و «نیازهای جوانان» فراهم سازد. به‌عنوان مثال، مهم‌ترین چالش در چارچوب «تحول مفهوم جوانی» مربوط به مسئله آموزش عالی است. چراکه از یکسو، تخصصی‌شدن و سپس گسترش آموزش عالی عامل اصلی تأخیر در ازدواج و ایجاد فراغت شده است؛ و از سوی دیگر، استقرار نظام حقوق و دستمزد بر اساس مدارک آموزشی عامل افزایش درآمد متخصصان و اشتیاق همگانی به تحصیل (مدرک‌گرایی) می‌باشد. در عین حال، گسترش بی‌ضابطه نظام آموزشی باعث ناکارآمدی تحصیلات برای یافتن شغل و بیکاری بیشتر مدرک‌داران می‌شود. بنابراین، مهم‌ترین راه تخفیف مسائل جوانان، اصلاح نظام آموزشی است. البته به‌طور رسمی، شورای عالی انقلاب فرهنگی منحصراً وظیفه اصلاح و بازنگری آموزش عالی و برقراری تناسب میان نیاز کشور و ظرفیت پذیرش رشته‌های دانشگاهی را بر عهده دارد اما تا امروز - به‌دلیل سهل‌انگاری یا وجود روابطی پیرامون گسترش آموزش‌های غیر رایگان - از انجام این وظیفه خودداری کرده است؛ بنابراین، بررسی این معضله نیازمند راه‌اندازی دفتر بازاندیشی در مختصات آموزش عالی در ساختار نهاد فراگیر جوانان است.

● سرانجام، فرآیند پیشنهادشده‌ی این نوشتار برای اصلاح نهاد فراگیر جوانان در ایران به شرح ذیل است:

الف) ادراک وجود مسئله با نگاهی انتقادی به نظریه شکاف نسلی و تلاش برای آسیب‌شناسی اجرایی و احیای ایده تهاجم فرهنگی و ارائه تبیین تحول فرهنگ جوانی.
ب) برجسته‌سازی آموزش عالی و تخصصی‌شدن به‌عنوان عوامل پیدایش فرهنگ

جدید جوانی، بازنگری در مشاوره‌های موجود با مبنای غربی به‌عنوان آسیب‌شناسی عملکرد سازمان، تأکید بر مسئولیت اجتماعی به جای مشارکت اجتماعی به‌عنوان تفاوت رویکرد غربی و اسلامی، کنترل برنامه‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی آمرانه که باعث تضعیف خانواده و افتادن بار فعالیت آن بر دوش جامعه و دولت می‌شود (ن.ک: هیولت‌ووست، ۱۳۸۸؛ گاردنر، ۱۳۸۶).

ج) پیشنهاد تأسیس دفاتر «آموزش عالی»، «مشاوره»، «مسئولیت‌های اجتماعی» و «حراست از کیان خانواده» تحت نظر معاونت ساماندهی امور جوانان وزارت ورزش و جوانان.

منابع و مأخذ

- احمدی، سیروس؛ مهدی سوادى و حمیدرضا سایبانی (۱۴۰۰). «شناسایی و اولویت‌بندی ابعاد ارزیابی عملکرد ادارات کل ورزش و جوانان سراسر کشور». رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی. شماره ۳۲: ۱۳۷-۱۲۱.
- افتخاری، یوسف و همکاران (۱۳۸۹). بررسی قوانین و مقررات فعالیت‌های قابل‌واگذاری دستگاه‌های دولتی به تشکل‌های جوانان. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۱۰۴۲۷.
- اکبری، محمدعلی (۱۳۸۴). تبارشناسی هویت جدید ایرانی؛ عصر قاجاریه و پهلوی اول. تهران: علمی و فرهنگی.
- الکاک، پیت. می، مارگارت. راولینگسون، کارن (۱۳۹۱). کتاب مرجع سیاست‌گذاری اجتماعی، جلد ۲. ترجمه علی‌اکبر تاج‌مزینانی، محسن قاسمی، مرتضی قلیچ. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- الوانی، مهدی (۱۳۸۹). تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- ایمان، محمدتقی (۱۳۸۸). مبانی پارادایمی روش‌های کمی و کیفی تحقیق در علوم انسانی. قم: حوزه و دانشگاه.
- آشنا، حسام‌الدین (۱۳۷۱). «پیشاهنگی در ایران: برگی از سیاست فرهنگی دوران رضاشاه (۱۳۲۰-۱۳۰۴)». گنجینه اسناد، شماره ۷ و ۸: ۲۴-۲۰.
- آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی (مورخ ۱۳۷۷/۲/۷). بیانات در دیدار جمعی از جوانان. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای.
- بارکر، کریس (۱۳۸۸). مطالعات فرهنگی: نظریه و عملکرد. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی. ترجمه نفیسه حمیدی، مهدی فرجی.
- باکی، کارول (۱۴۰۰). تحلیل سیاست: پرسش از بازنمایی‌ها. ترجمه حمیدرضا واشقانی فراهانی. تهران: همشهری.
- تاج‌مزینانی، علی‌اکبر (۱۳۹۴). «الگوی سیاست‌گذاری و مدیریت یکپارچه مشارکتی (شبکه‌ای) برای سازماندهی امور جوانان در ایران». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. شماره ۲۹: ۳۰-۹.
- جعفری، مقدس، محمدحسن یعقوبی و علی چوبی (۱۳۸۵). «تغییرات، ویژگی‌ها و موانع ازدواج در استان گیلان با تاکید بر شهرستان رشت». نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران. شماره ۲: ۱۱۰-۸۹.
- خانه جوانان کجاست؟ باشگاه خبرنگاران جوان، کد خبری: ۵۹۲۹۵۷۱، مورخ: ۱۳۹۵/۱۰/۲۳.
- خرمشاد، محمدباقر و عزیز منصوری (۱۳۹۸). «ارائه الگوی راهبردی اداره امور جوانان بر اساس گفت‌وگو و ولایت‌فقیه، قانون اساسی و تجارب جمهوری اسلامی ایران». مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی. شماره ۳: ۳۵۹-۳۳۱.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹). صحیفه امام: ج ۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خورشیدی، سعید (۱۳۹۴). «بررسی انتقادی دلالت‌های نظریه فرهنگ دورکیم در حوزه خط‌مشی‌گذاری فرهنگ». دین و سیاست فرهنگی. شماره ۲: ۱۴۴-۱۲۱.

خورشیدی، ابوالفضل و همکاران (۱۳۸۷). بررسی طرح تشکیل وزارت ورزش، رفاه و جوانان. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۹۴۰۴.

دانایی فرد، حسن؛ طیبه عباسی، عادل آذر و سیدمهدی الوانی (۱۳۸۹). «تبیین تغییر خط‌مشی با استفاده از نظریه جریان‌ات چندگانه کینگدون: مطالعه موردی تغییر قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری». سیاست علم و فن‌آوری. شماره ۱: ۸۲-۹۸.

ذکایی، محمدمسعود (۱۳۸۶). فرهنگ مطالعات جوانان، تهران: آگه.

ذکایی، محمدمسعود. شفیع، سمیه‌سادات (۱۳۸۹). «کالبدشکافی سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در حوزه سبک زندگی دختران». مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۲۰: ۱۲۰-۷۷.

رحمانی‌پور، ریحانه (۱۴۰۱). عوامل تأثیرگذار بر افزایش سن ازدواج جوانان. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس. شماره مسلسل: ۱۸۲۳۷.

سردارنیا، خلیل‌اله (۱۳۹۰). «ضرورت مشارکت سیاسی نسل سوم جوانان در ایران؛ نقد تشکل‌های مشارکتی و پیشنهاد مدل کارآمد». فصلنامه سیاست، شماره ۲: ۱۹۵-۱۷۹.

سطوتی، جعفر (۱۳۸۷). «توسعه اجتماعی و سیاست‌های جوانان در جمهوری اسلامی ایران». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، شماره ۱۴: ۱۵-۱۷۸-۱۵۱.

صبوری‌کاشانی، منوچهر (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی سازمان‌ها، تهران: شب‌تاب.

غفاری، مسعود و علی‌اصغر قاسمی (۱۳۸۵). «نقش جنبش جوانان شهری در گذار به دموکراسی در ایران ۱۳۸۰-۱۳۵۰». علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. شماره ۲: ۹۴-۷۵.

قنبری برزین، علی (۱۳۹۳). «پژوهشی درخصوص مسئله‌شناسی جوانان ایران». مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. شماره ۴: ۶۶۸-۶۹۶.

کامور بخشایش، جواد (۱۳۸۶). «کاخ جوانان: از تأسیس تا انحلال». مطالعات تاریخی، شماره ۱۸: ۱۴۳-۱۱۸.

کرسول، جان (۱۳۹۴). پویای کیفی و طرح پژوهش، ترجمه دانایی فرد و حسین کاظمی، تهران: صفار. چاپ ۲، ۲.

کلهر، سینا و صادق ستاری فرد (۱۳۹۶). اظهارنظر کارشناسی درباره کلیات: «لایحه اهداف، وظایف و اختیارات وزارت ورزش و جوانان». تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس. شماره مسلسل: ۱۵۳۸۵.

کولز، باب (۱۳۹۱). جوانان. صص ۲۸۸-۲۷۵. در: ال‌کاک و همکاران. کتاب مرجع سیاست‌گذاری اجتماعی. گاردنر، ویلیام (۱۳۸۶). جنگ علیه خانواده، ترجمه معصومه محمدی، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.

گزارش وضعیت سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان در سال ۱۳۸۵، مقالات علمی و پژوهشی شماره ۹، تهران: سازمان ملی جوانان.

- گلشن فومنی، محمد رسول (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی سازمان‌ها و توان سازمانی، تهران: دوران.
- لایحه اهداف، وظایف و اختیارات وزارت ورزش و جوانان. تاریخ اعلام وصول: ۱۳۹۵/۱۲/۱۱. دوره دهم مجلس. شماره ثبت ۲۴۴. تارنمای رسمی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- لوزیک، دانیلین (۱۳۸۸). نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی. ترجمه سعید معیدفر. تهران: امیرکبیر. چاپ ۲.
- ماده (۳) لایحه اصلاح بخشی از ساختار دولت. تاریخ اعلام وصول: ۱۳۹۶/۳/۲۱. دوره دهم مجلس. شماره ثبت ۲۷۴. تارنمای رسمی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- مجموعه مصوبات شورای عالی جوانان، دبیرخانه شورای عالی جوانان، اسفند ۱۳۸۵.
- مسگر، علی‌اکبر (۱۳۸۸). «نهادهای هویت‌ساز در دوره پهلوی اول: نمونه سازمان پرورش افکار»، مجله پیام بهارستان، دوره ۲، شماره ۳: ۵۴۰-۵۳۵.
- مظفر، حسین. قنادیان، حسین (۱۳۸۸). «بررسی تأثیر سازمان‌های غیردولتی بر رفتار فرهنگی جوانان». مدیریت فرهنگی، شماره ۱: ۵۹-۴۱.
- ملاحظات ذی‌رباره پیشنهاد پیشنویس اساسنامه سازمان ملی جوانان (۱۳۸۱). مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۶۴۹۰.
- نقد سازمان ملی جوانان (۱۳۸۱). مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۶۵۴۹.
- نوده‌فراهانی، اسماعیل (۱۳۹۰ الف). ملاحظات سیاست‌گذاری فرهنگی جوانان: ۱. بازانديشي در مفهوم «شکاف نسلی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۱۲۰۴۲.
- نوده‌فراهانی، اسماعیل (۱۳۹۰ ب). ملاحظات سیاست‌گذاری فرهنگی جوانان: ۲. بازانديشي در مفهوم «تهاجم فرهنگی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۱۲۰۷۶.
- نوده‌فراهانی، اسماعیل (۱۳۹۰ ج). ملاحظات سیاست‌گذاری فرهنگی جوانان: ۳. بازانديشي در «مفهوم جوانی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۱۲۲۲۲.
- نهادهای فراگیر ملی جوانان در جهان: اهداف، وظایف، ساختار و فعالیت‌ها (۱۳۸۷). تهران: معاونت مطالعات و تحقیقات سازمان ملی جوانان.
- هانت، دایانا (۱۳۹۸). نظریه‌های اقتصادی توسعه: تحلیلی از پارادایم‌های رقیب. ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی. تهران: نی. چاپ ۶.
- هیولت، سیلویا، وست، کورنل (۱۳۸۸). جنگ علیه والدین، ترجمه معصومه محمدی، قم: معاونت پژوهشی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
- معرفی سازمان ملی جوانان: مندرج در سایت راسخون، مورخ ۱۳۸۸/۴/۲۱. به آدرس: <http://rasekhoon.net/article/show-۳۳۰۹۸.aspx>